

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

شماره ۲۰

سال پنجم

خرداد ماه ۱۳۷۲

قیمت: ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

اعتصاب ۱۸ روزه کارگران جهان چیت

اخبار مناطق نفت جنوب

کارگران «جهان چیت» (واقع در جاده کرج) در مرحله برای دستیابی به خواسته های خود اعتصاباتی را سازماندهی نمودند.

مرحله اول اعتصاب کارگران دوهفته قبل از اول ماه مه (یعنی اواخر فروردین ماه ۷۲) آغاز شد و ۲ روز به طول انجامید. در این اعتصاب ۲۰۰۰ پرسنل جهان چیت خواسته های زیر را مطرح نمودند:

- ۱- افزایش دستمزد
- ۲- اعتراض به کیفیت بد غذا و بهبود آن
- ۳- تامین سرویس ایاب و ذهاب، این کارخانه تا دو سال پیش تامین سرویس ایاب و ذهاب کارگران را به عهده داشت ولی طی دو سال اخیر با پرداخت مبلغ ناچیزی به کارگران، امکان را حذف نموده.
- ۴- جلوگیری از سوء استفاده های بقیه درصغه ۲

* در نیمه شب ۲۰ بهمن ماه گذشته یک حلقه چاه نفت در منطقه گچساران با صدای مهیبی چون انفجار دچار حریق شد، اما خوشبختانه خسارت جانی به همراه نداشت.

* در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ساعت ۲/۵ بعد از ظهر دو حلقه چاه در منطقه حوزه های نفتی اهواز (کریت - معروف به چاه منصوری) در حین عملیات دچار آتش سوزی شد که بنا به گزارش اداره آتش نشانی شرکت نفت مستقر در حزنلیه اهواز سه کارگر دچار سوختگی شدند.

بقیه درصغه ۲

نامه اتحادیه FNV به انجمن

خانم و آقای محترم!

طبق توافقاتی ما در جلسه ۲ مارس ۹۳ FNV تصمیمات ما در جلسه FNV بشرح زیر در رابطه با همکاری با سازمان شما می باشد. ما در جلسه خود تصمیم گرفتیم که فعالیت های خود را در رابطه با ILO پیرامون حق بقیه درصغه ۲

ج: در ایران تشکل اتحادیه ای وجود ندارد که در آن تغییراتی صورت گرفته باشد. اصولاً می دانیم که کارگران با ایجاد تشکلات مستقل خود می توانند بدور هم جمع شده و مسائلشان را پیش ببرند که در حال حاضر فاقد چنین تشکلاتی هستند. بقیه درصغه ۱

در تاریخ ۳۰ آوریل ۹۳ بخش فارسی رادیو بی. بی. سی. مصاحبه ای با رفیق یداله انجام داد که همان شب بخش شد. نظرتان را به این مصاحبه جلب می کنیم.

س: آیا اخیراً در تشکلات اتحادیه ای کارگران در ایران تغییراتی حاصل شده است. اگر چنین است این تغییرات

اضافه کاری، بسیار ارزان است

ترجمه از نشریه ماهانه Forum ارگان سندیکای کارگران چاپ آلمان

ترجمه: ی - آبخون

اضافه کاری امروزه در بسیاری از کارخانه ها همه گیر شده است. کم نیستند همکارانی که به این دستمزد اضافی عادت کرده اند. بهر حال اینرا نیز همه میدانند که: با پول نمیتوان اوقات آزاد، سلامتی و بهروزی خرید. مضافاً اینکه، سرمایه داران با اضافه کاری از قبل شاغلین پول خوبی به جیب میزنند. از اینرو والتر بیلر (Walter Bepler) پیشنهاد گران کردن اضافه کاریها را کرده است، و Medien Forum هم پیشنهاد وی را به بحث میگذارد.

اضافه کاری در بسیاری از چاپخانه های بزرگ به مسئله روز تبدیل شده است. ترمینهای چاپ خواست مشتریان، ارسال دیر وقت کاغذ، رنگ و وسایل چاپ و غیره، کار بیشتری را می طلبد، چیزی که همواره از همکاران ما طلب میشود.

بقیه درصغه ۱۰

- * فعالیتهای اعضای انجمن در اول ماه مه
- * هم چنان سندیکای سراسری از کارخانه هابرون انداخته می شود
- * اعلامیه انجمن بناسبت اول ماه مه
- * نفوذ سازمان جاسوسی CIA در سندیکا
- * پیام انجمن به کارگران اعتصابی در ایالات شرقی آلمان
- * پیام همبستگی با کارگران آفریقای جنوبی
- * شرکت در جلسه کارگران آتش نشانی لندن
- * نامه انجمن دمکراتیک کارگران ترک مقیم هلند به انجمن
- * دلمان غصه دار شامت
- * نامه ها و پیامها
- * همبستگی با کارگران اتوبوسرانی لندن
- * سازمان فردای سرخ: سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را قطعانه محکوم کرد
- * دعوت به همکاری
- * حزب کارگر و طبقه کارگران انگلیس - قسمت دوم

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

اعتصاب ۱۸ روزه کارگران جهان چیت

دنباله از صفحه ۱

پرسنل معلول جنگی، این افراد بخش اعظم وامی که از سوی کارخانه می بایستی در اختیار کارگران قرار گیرد را به خود اختصاص میدادند و از اینرو به اکثریت کارگران و کارکنان وامی تعلق نمی گرفت. همچنین کارگران نسبت به سوء استفاده معلولین جنگی از امکانات فروشگاه کارخانه، تبعیضی که در کارخانه رواج داشت و هر ساله بیش از حد معمول به این دسته از پرسنل مرخصی تعلق می گرفت و موارد دیگر اعتراض داشتند.

در طی این مرحله از اعتصاب، مبارزه

جمعی کارگران برای دستیابی به خواسته هایشان، به نتیجه نرسید. کارگران یکبار دیگر با هماهنگ نمودن اعتراضات پراکنده و استفاده از تجربه اعتصاب قبلی، مرحله دوم اعتصاب خود را آغاز می کنند.

این اعتصاب که از روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) آغاز شد به مدت ۱۵ روز تا (۲۵ اردیبهشت) ادامه می یابد.

پی گیری و جدیت کارگران برای دستیابی به خواسته هایشان، مدیریت کارخانه را ناچار به قبول مذاکره حول مطالبات کارگران می

کند. مدیریت اول در صدد بود تا با شور و اسلامی کارخانه به عنوان نماینده کارگران وارد مذاکره شود ولی این ترفند با مخالفت کارگران روبرو میشود. سرانجام مذاکره با نماینده مورد قبول کارگران به مدیریت تحویل می شود. در این مذاکره مدیریت قول میدهد که در مورد افزایش دستمزد اقدام نماید. کیفیت غذا بهبود یابد سرویس ایاب و ذهاب مجدداً برقرار گردد. در مورد جلوگیری از سوء استفاده پرسنل معلول جنگی هیچ قول مساعدی نمی دهد و اساساً آن نمی پذیرد.

نامه اتحادیه FNV به انجمن

دنباله از صفحه ۱

تشکل کارگری در ایران شروع کنیم. از شما می خواهیم که ما را در جهت جمع آوری اطلاعات در این رابطه یاری رسانید. آقای توم اتی Tom Etty از طرف FNV به کنفرانس، نماینده اعزامی می باشد. در این رابطه او خواهان مشورت با شماست. او تمایل دارد قبل از کنفرانس و بعد از آن با شما نشست داشته باشد.

در رابطه با شرایط کارگران در ایران، ما خواستاریم که مقالاتی تهیه و جهت درج آن در بولتن FNV Iz Bulletin ما را یاری رسانید.

این نشریه در هر سال ۴ دفعه منتشر می شود. در رابطه با قطعنامه شما باید متذکر شریم که ما در قانون خود FNV مصوبه ای نداریم که قطعنامه دیگران را امضاء کنیم ولی با بدست آوردن اطلاعات و کانال ها خود اقدام به تهیه قطعنامه می نمائیم.

در زمینه دادن امکاناتی از جمله امکان برای فعالیت برای ما مقدور نیست.

در پایان امیدوارم که با این توضیحات چهارچوب همکاری ما روشن و شما با آن موافق

بوده باشید

با صمیمانه ترین سلام ها :

آقای ری نن

مسئول روابط خارجی FNV

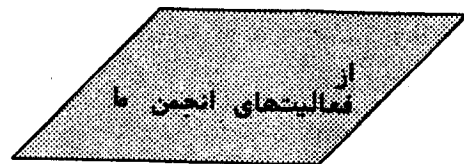
رونوشت :

سندیکای صنفی

» زنان

» جوانان

شرکت فعالان انجمن در جلسه نمایندگان کارگران آتش نشانی لندن



یک هیئت از سوی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در جلسه نمایندگان کارگران آتش نشانی ۱۵ شعبه لندن شرکت کرد.

دولت محافظه کار انگلیس و کارفرمایان توافق سال ۱۹۷۷ (۱) خود با اتحادیه آتش نشانی را لغو نموده اند. این جلسه در اساس یکی از جلسات نمایندگان علیه لغو توافق فوق و همچنین تدارک کنفرانس سراسری این اتحادیه (در ماه مه) بود.

در این جلسه یکی از رفقا ضمن اعلام همبستگی با کارگران انگلیس در باره وضعیت کارگران ایران قبل از سرنگونی شاه، نقش طبقه کارگر و اعتصابات در سرنگونی نظام شاهنشاهی، نقاط ضعف طبقه کارگر در دروه انقلاب، انحلال و سرکوب شوراها و دیگر تشکلهای کارگری، دستگیری و اعدام کارگران توسط رژیم اسلامی سرمایه داران، اعتراضات و اعتصابات کارگران علیه کارفرمایان و حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه داران، شوراها و اسلامی و نقش آنها، قانون کار و برسمیت نشناختن حق تشکل کارگری و اتحادیه ای و این مسئله که نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس بین المللی کار نمایندگان کارگران نیستند. صحبت کرد، سپس نمایندگان کارگران سنوالاتی در این رابطه که

چرا دولت انگلیس از دولت جمهوری اسلامی حمایت می کند همچنین در باره مبارزات کارگران بعد از به قدرت رسیدن رژیم اسلامی سرمایه داران و نحوه برخورد رژیم با زنان و علاوه لایحه اخیر رژیم علیه زنان کارگر در مجلس، مطرح کردند که با سنوالات فوق توسط اعضای هیئت انجمن توضیحات لازم داده شد. هیئت اعزامی انجمن از سوی نمایندگان حاضر در جلسه با کف زدن مورد استقبال قرار گرفت. در پایان لیست اسامی بیش از ۵۰۰ کارگر اعدامی و همچنین قطعنامه انجمن و دیگر اسناد در اختیار نمایندگان کارگران قرار گرفت و قرار شد که بعد از طرح آن در بین کارگران و کارکنان شعبه های مختلف اقدام لازم را انجام دهند.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی - لندن

زیر نویس :

۱- بعد از اعتصاب سراسری سال ۱۹۷۷ اتحادیه (F.B.U) به فرمول مورد توافق با دولت دست یافت. اکنون دولت محافظه کار محدودیت بودجه ۱/۵ درصد برای کارگران کارکنان بخش عمومی در نظر گرفته است. این شامل کارگران آتش نشانی هم میشود. این در واقع لغو فرمول مورد توافق از سوی کارفرما و تهاجم به دستمزد کارگران و کارکنان این بخش است. بعد از اعتصاب سراسری ۱۹۷۷ این اولین بار است که کارگران آتش نشانی علیه کم کردن و انجماد دستمزدها به مقابله بر می خیزند.

خبر مناطق نفت جنوب

دنباله از صفحه ۱

* وزارت نفت بدنبال سیاست افزایش تولید نفت و همچنین بدلیل پائین آمدن (RAIT) چاههای نفت اهواز، طی تلگرامی به جنوب از مسئولین خواست که چاه های نفت منطقه مسجد سلیمان - لالی - رگ سفید و رگ سیاه که چندین سال بسته بودند دوباره مورد بهره برداری قرار گیرند.

* شرکت حفاری به نام شرکت زاگرس که طرف قرارداد شرکت ملی حفاری ایران است اخیرا ۵ دیگ حفاری از کشورهای آمریکا - هلند و مکزیک خریداری نمود (این دیگها مربوط به شرکت های چند ملیتی وابسته به این سه کشور است) تا جهت حفاری چاه های دریائی در حوزه خلیج فارس شروع بکار نماید.

شرکت زاگرس تحت برنامه رشد بخش خصوصی و سیاست رژیم اسلامی در جهت سپردن بخشی از پروژه های نفتی به بخش خصوصی شروع بکار کرده و از مهندسیین هلندی - انگلیسی و آمریکائی با هویت دیگری مانند مکزیک استفاده می نماید. لازم به یادآوریست که فعالیت شرکت های آمریکائی از طریق کشورهای ثالث و یا شعبه شرکت های آمریکائی در دیگر کشورها انجام می گیرد.

* در تاریخ ۱۱ اسفند ۷۱ در منطقه آغاچاری یک حلقه چاه نفت که تا دو سال پیش روزانه نزدیک به ۱۸ هزار بشکه نفت تولید داشت و یکی از چاه های پر فشار منطقه بود در حین عملیات تزریقی دچار آتش سوزی شد که تلفات جانی بیار نیارود. این حریق با سه روز کار شبانه روزی ماموران آتش نشانی شرکت نفت اهواز، آغاچاری، گچساران و دو اکیپ آتش نشانی از شهرداری اهواز و دو مهندس ناظر از وزارت نفت خاموش شد.

توضیح اینکه در تمام عملیات چاه های نفت شرکت شلمبرجر (SCHLUMBERGER) به عنوان مسئول عملیاتها و شرکت ملی حفاری و اداره مهندسی و بهره برداری نفت جنوب بعنوان ناظر شرکت داشتند.

* اخیرا یک شرکت ژاپنی به نام ژاپکس برای اکتشاف نفت در حوزه تنگه هرمز با وزارت نفت قرار داد بسته است که چند شرکت ژاپنی دیگر نیز در آن دست دارند.

این قرارداد که از آن بعنوان پروژه مشترک نام برده می شود به این صورت است که ژاپن بایستی ۱/۵ میلیارد دلار

تجهیزات این پروژه را به ایران بفروشد تا از تولید ۸۰۰۰۰ بشکه روزانه آن سهمی داشته باشد. این قرار داد شبیه قرارداد ایران و ژاپن است یعنی اینکه تمامی تجهیزات این پروژه بایستی از طریق ژاپن و شرکت های چند ملیتی تعیین گردد، چنانکه از نخ ساختمانی و مداد و خودکار گرفته تا تجهیزات مدرن و تولیدات ایران در این پروژه بایستی مورد استفاده قرار گیرد. این پروژه بدنبال مصوبه هیئت دولت در مشارکت شرکت های خارجی و بخش خصوصی در تولید و اکتشاف نفت صورت گرفته است.

* شرکت های ایتالیائی یک قرارداد برای احداث یک پتروشیمی در بندر خمینی با ظرفیت ۵۰۰۰۰ تن با دولت ایران بسته اند.

* یک شرکت فرانسوی برای کار توسعه منابع نفتی ایران در جزیره سیری و شبکه انتقال گاز در ایران با شرکت «دوفرانس» در حال بستن قرارداد با وزارت نفت می باشند.

در مجموع این قراردادهای وزارت نفت در اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی دولت است که طبق گفته آقای نوریخس این شرکتها می توانند کلیه سوده های خود را با ارز از ایران خارج کنند و هیچ محدودیتی در این مورد وجود نخواهد داشت.

وزارت نفت بیشتر طبق خواسته های شرکت های نفتی با طرف های خارجی که خواهان پروژه مشترک هستند قرارداد بسته و مجلس هم در جلسات تصویب بودجه کشور، سوده های آن کشورها را تضمین کرده است.

توضیحات:

در اسفندماه ۷۰ اداره مهندسی و بهره برداری نفت طی گزارش ۵۰ صفحه ای به وزارت نفت اعلام نمود چون در چند سال اخیر به وضعیت چاه های نفت به لحاظ تزریق و نمک زدائی رسیدگی نشده است فشار چاه های نفت پائین می آید و در صورتیکه این عمل در شش ماهه سال جاری صورت نگیرد (بازدهی) چاهها به میزان ۴۰ درصد پائین می آید که وزارت نفت پس از تاخیر چند ماهه از مهرماه سال ۷۱ با بودجه کم این عملیات را با کمک شرکت فرانسوی شلمبرجر و شرکت ملی حفاری همراه با نظارت اداره مهندسی و بهره برداری اهواز شروع کردند. اما از طرفی بخشنامه وزارت نفت در مورد قطع پرداخت اضافه کاری (که خبر آن در نشریه شماره ۱۸ کارگر تبعیدی و مصاحبه با BBC آمده بود) به کارکنان اداره بهره برداری نفت، کارکنان نیز می نماید.

جملگی از سرکشی به چاهها و اضافه کاری بطور کلی امتناع ورزیدند.

در همین رابطه سرپرست اداره بهره برداری نفت جنوب درخواست بودجه مالی فوق العاده نمود که مورد موافقت قرار گرفت ولی بجای اینکه این بودجه در اختیار کارگران و تکنیسینهای مربوطه قرار گیرد که اضافه کاری انجام دهند و در وقت غیر اداری به چاهها سرکشی نمایند، بودجه را در اختیار کارمندان ارشد و سرپرستها قرار داده و بعنوان پاداش کار فوق العاده بهر یک معادل ۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان پرداخت نمودند. بخاطر این مسئله کارگران و تکنیسینها نیز از اضافه کاری امتناع ورزیده و به کم کاری دست زدند. در نتیجه چاه های نفت یکی پس از دیگری بر اثر تراکم گاز و عدم تزریق و نمک زدائی به موقع آنها که دارای فشار بالائی بودند دچار انفجار درونی و آتش سوزی بیرونی شدند.

رئیس ناحیه مناطق نفت خیز جنوب برای فرار از مسئولیت و بی لیاقتی خود در وزارت نفت، گزارش این مسائل را به اطلاعات سپاه اهواز فرستاد مبنی بر اینکه روی این موضوع تحقیق کنند و از طرف دیگر رئیس بهره برداری نفت را ملزم کرد که گزارش فنی بدهد.

وزارت اطلاعات بعلت حساس بودن منطقه نفتی خوزستان «معرفی» رئیس اطلاعات خوزستان را به اهواز می فرستد. اطلاعات سپاه به خاطر زیر ضرب بردن کارگران با سابقه سیاسی در شرکت نفت و تصفیه مابقی کارگران که در اعتصابات گذشته شناسائی شده بودند، این آتش سوزیها را به کارگران نسبت داده و از طرف فلاحیان به آنها ماموریت داده شده که این کارگران را تصفیه نمایند.

در صورتیکه اجرای سیاست های تبعیض بین کارکنان که مجری آن خود مسئولین بالای وزارت نفت هستند باعث این آتش سوزیها گردیده است نه کارگران و تکنیسینهایی که بعلت عدم پرداخت اضافه کاری در شب و غیر وقت اداری از رفتن به سر چاهها و سرکشی به آنها امتناع ورزیده اند، مسئولین وزارت نفت و سپاه از کارکنان نفت انتظار دارند که بدون دریافت حقوق و مزایای برای آنان اضافه کاری کنند که این مسئله مورد قبول کارکنان نفت قرار نگرفته است. بنابراین این موضوع تنها مورد بهره برداری مسئولین جهت تسویه حسابهای گذشته صورت گرفته که سیاستهای ضدکارگری رژیم اسلامی را که از ابتدای انقلاب در پیش گرفته بوضوح روشن می نماید.

اعلامیه انجمن

بمناسبت اول ماه مه

جشن اول ماه مه را از طرف تمامی کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی به شما همه کارگران جهان تبریک می گوئیم و همبستگی کارگران ایران را با تمامی مبارزات کارگران جهان اعلام می داریم. سالی که گذشت در سراسر جهان، سال تحرک و مبارزه جوئی طبقه کارگر بود. سالی بود که پس از فروپاشی بلوک شرق و سر و صدائی که بورژوازی جهانی در رسانه های تبلیغاتی خود به راه انداخته بود و با هیاهو اعلام می داشت که ما حامی و مدافع منافع کارگران جهانیم. کارگران به پوچی و به بی مایگی این صحبت ها آگاهی کامل یافته و برای جلوگیری از تهاجم بورژوازی به دستاوردهایی که طی سالیان سال مبارزه بدست آورده بودند، وارد میدان شدند و قدرت خود را در کشورهای مختلف جهان به نمایش گذاشتند.

در آلمان، ایتالیا، فرانسه، آمریکا، ترکیه، ایران و انگلستان، کارگران با اعتصابات خود هر یک در حد توان، بورژوازی را به عقب نشینی هایی وادار کردند.

در ایران در سال ۷۹ طبقه کارگر دولت سرمایه داری شاه را با یک اعتصاب عمومی چهار ماهه سرنگون کرد. اما بخاطر داشتن توهم به مذهب از یکطرف و بخاطر نداشتن یک چشم انداز روشن برای قدرت گیری خود، و عدم داشتن برنامه مشخص، باز هم بدست خود، زنجیر های اسارت مذهب را بدست و پای خود پیچید و حکومت را دو دستی تقدیم بخش دیگری از بورژوازی کرد. بورژوازی با مسلط شدن بر قدرت دولتی، شروع به سرکوب و کشتار و گرفتن امتیازات گذشته طبقه کارگر کرد.

اینک در ایران کارگران حتی از داشتن یک تشکیلات مستقل کارگری و حقوق ابتدائی اتحادیه ای محرومند.

بیاییم امیدوار باشیم که در سال جاری طبقه کارگر جهانی، یکپارچه و متحد، قدرت واقعی خود را در صحنه عمل به بورژوازی نشان دهد.

بیاییم امیدوار باشیم که در سال ۹۳ طبقه کارگر جهانی، زنجیر قانون گرائی و دلخوش کردن به پارلمان و پارلمانتاریسم و احزاب مختلف بورژوازی را از دست و پای خود با عملش در صحنه پاره کرده و برای در دست گرفتن قدرت و کنترل کارگری حرکت کند.

بیاییم امیدوار باشیم که سال ۹۳ را به سال مبارزه واقعی برای نفی قوانین ضد اتحادیه ای، نفی هر گونه بیکاری و بیکار سازی، تثبیت ۳۵ ساعت کار در هفته و جلوگیری از هر گونه خصوصی کردن و فروختن صنایع و املاک عمومی به سرمایه داران، مبدل کنیم.

کارگران کشورهای عقب نگه داشته شده و کارگران کشورهای نیمه صنعتی، چشم و امیدشان به مبارزات کارگران کشورهای پیشرفته صنعتی است. آنها پیروزی کارگران این کشورها را پیروزی خود می دانند و امید رهایی خود را از اسارت بردگی و استثمار در حرکت شما کارگران کشورهای صنعتی می بینند.

پس با ایمان به قدرت و راهمان به پیش و مطمئن باشیم که پیروزی نهائی از آن ما است. چرا که ما سازنده و تولید کننده تمامی مواد مصرفی جهانیم.

کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی با تمامی توان، همواره در کنار شما و همراه و همگام مبارزات شما خواهند بود و از هیچ کوششی در این راه کوتاهی نخواهند کرد.

باز هم این جشن بزرگ را به تمامی کارگران جهان تبریک می گوئیم و همبستگی خود را با مبارزات آنان اعلام می داریم.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

شرکت فعالین انجمن در مراسم اول ماه مه

کارگر و نیز رهبران اتحادیه های سراسری کارگران را بخاطر سازش و ماساها با دولت حاکم مورد انتقاد قرار داد.

اول ماه مه در هلند

اسکار گیل در مقابل کسانی که امروزه ، اعلام می کنند که : اگر در اعتصاب یکساله ۸۵-۸۴ از معدنچیان دفاع می شد ، وضع بدین منوال نبود ، گفت : امروز نیز دیر نیست ، اگر راست می گوئید هم اکنون به مبارزه علیه بسته شدن ۲۱ معدن برخیزید . دولت هم اکنون قصد دارد با خریدن ذغال سنگ ارزان از دولت تبعیض نژادی آفریقای جنوبی و کشور کلمبیا که در آن کودکان در معادن ذغال سنگ تحت استثمار شدید قرار دارند ، معادن ذغال سنگ بریتانیا را ببندد و سپس آنها را با نیروی کار بسیار کمتر در بخش خصوصی براه بیاندازد .

رفقای واحد هلند مطابق با یک تقسیم کار در مراسم اول ماه مه در شهرهای رتردام ، دن هاخ (لاسه) ، فروتینگن ، هارسم و . . . شرکت کردند . بر اساس یک برنامه از پیش تعیین شده قرار بود هر کدام از اعضای واحد هلند در محل کار و زندگی خود در مراسم این روز شرکت نمایند . در این مراسم بولتن اطلاعاتی و اعلامیه هایی که به مناسبت این روز تهیه شده بود ، توزیع شد . لازم به ذکر است ، روز اول ماه مه در هلند تعطیل نیست و غالباً مراسمی در این روز توسط گروه های چپ ، احزاب سیاسی ، تعدادی از کارگران بیکار و اتحادیه ها برگزار میشود .

اسکار گیل که هنگام آمدن به روی سکوی سخنرانی پرچمی سرخ به همراه داشت در پایان سخنرانی اش ، حمل پرچم سرخ را حاکی از آرمان خواهی سوسیالیستی اش خواند و اعلام داشت که به سوسیالیسم وفادار است ، چرا که سوسیالیسم تنها راه نجات کارگران سراسر جهان است .

اول ماه مه در نیو کاسل (انگلستان)

پس از سخنرانی اسکار گیل ، گروهی از زنان هنرمند که در بین آنان تعدادی از کارگران زن هنرمند نیز حضور داشتند با اجرای چندترانه... سرود به هنرنمایی پرداختند . پس از هنرنمایی زنان ، نوبت به انجمن رسید و یکی از رفقای واحد لندن پیام انجمن (که در همین شماره متن کامل آن چاپ شده است) را برای حاضرین خواند . پیام انجمن مورد توجه و تشویق حاضرین قرار گرفت .

امسال صدوسومین سال برگزاری مراسم روز کارگر در شهر نیو کاسل بود . واحدهای لندن و شمال انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی نیز طبق معمول چهار سال اخیر در این مراسم شرکت جستند .

کمیته برگزار کننده اول ماه مه (شوراهای اصناف اتحادیه های کارگری منطقه شمال انگلستان - نیوکاسل و حومه) از کلیه اتحادیه های کارگری و سازمانها و نیروهای کارگری و مترقی در منطقه و نیز تنی چند از رهبران شناخته شده اتحادیه های کارگری از جمله آرنوراسکارگیل رهبر اتحادیه کارگران معادن بریتانیا دعوت بعمل آورده بود .

پس از آن بقیه شرکت کنندگان نیز پیام شان را خواندند و سرانجام مراسم در ساعت ۵ بعد از ظهر به پایان رسید .

اولین بخش مراسم ، راه پیمایی بود ، که پس از گردهم آیی شرکت کنندگان از ایستگاه راه آهن سراسری آغاز شده و پس از گذشتن از خیابانهای مرکزی شهر ، وارد پارک بزرگ شهر (محل اصلی گردهمایی مجدد) شدند .

نزدیک به دو هزار نفر در این راه پیمایی شرکت کرده بودند ، افراد بسیاری که قادر به راه پیمایی نبودند قبلاً به پارک آمده بودند .

احمد - لندن

اول ماه مه در وین

مراسم اول ماه مه ۹۲ وین ، با جمعیت کمتری نسبت به سال گذشته برگزار شد . در میان انبوه جمعیت ، پلاکاردها و بیرق های رنگارنگ ، تنها دو شعار که با این روز مناسبت داشت ، به سختی نمایان بودند : شعارهای " ۲۵ ساعت کار در هفته " و " خواسته بهبودی وضع مسکن " . در این مراسم ، از ملیت های دیگر ترک ، کرد ، ایرانی و ... نیز حضور داشتند . شاید بتوان گفت مراسم امسال را خارجیان مقیم اتریش برگزار نمودند . از سوی انجمن نیز اعلامیه هایی به زبان های آلمانی و فارسی در این مراسم توزیع گردید .

مدتی پس از راه پیمایی نوبت به سخنرانی و قرائت پیامهای اول ماه مه رسید . یکی از سخنرانان نماینده کنگره اتحادیه های کارگری صنفی آفریقای جنوبی (Cosatu) بود . او ضمن شرح کشتار کارگران و مردم آن کشور و از جمله ترور کریس هانی رهبر کنگره اتحادیه های کارگری صنفی آفریقای جنوبی ، از تداوم مبارزات کارگران ، علیه تمام فشارها و سازشها ، سخن گفت و در پایان اعلام نمود که کارگران آفریقای جنوبی خود را با تمامی کارگران جهان یکی و متحد می بینند . او در این رابطه همبستگی عمیق بین کارگران آن کشور و بویژه معدنچیان با کارگران معادن بریتانیا را که اخیراً زیر فشار دولت محافظه کار حاکم قرار گرفته اند ، اعلام نمود .

اول ماه مه در سوئد

اعضای انجمن کارگران پناهنده و مهاجر - واحد سوئد ضمن انتشار اطلاعیه و تراکت به زبانهای فارسی و سوئدی در مراسم اول ماه مه شهرهای گوتنبرگ و هالستاهامار به طور فعالانه شرکت نمودند .

پیام انجمن کارگران پناهنده به تجمع کارگران سوئدی در مراسم اول ماه مه در این شهرها در میان کارگران پخش گردید . علاوه بر آن رفقای ما تراکت هایی در حمایت از مبارزات کارگران ایران و خواستههای آنان را در این تجمعات پخش کردند .

یکی دیگر از سخنرانان جیمی نپ Jimmy Knap رهبر اتحادیه کارگران راه آهن ، خطوط کشتی رانی و حمل و نقل بود . او در سخنرانی خود برنامه های اقتصادی دولت حاکم را در زمینه بیکار کردن های ممتد و متوالی مورد انتقاد قرار داد .

در حقیقت دولت قصد دارد با بیکار کردن کارگران راه آهن سراسری سود دهی راه آهن را بالا برده و آنگاه آنها را تسلیم شرکت های خصوصی سرمایه داری کند . اما کارگران راه آهن در مقابل دولت به مقاومت برخاسته اند . دو اعتصاب ۲۴ ساعته آنان در دو هفته پایانی ماه آوریل دولت را به عقب نشینی موقت ، واداشت .

پس از سخنرانی جیمی نپ و قرائت چند پیام نوبت به آرتور اسکارگیل رسید . او دولت حاکم را بخاطر برنامه های خصوصی کردن هر چه بیشتر صنایع دولتی مورد حمله قرار داده و در این زمینه رهبران حزب

پس از سخنرانی جیمی نپ و قرائت چند پیام نوبت به آرتور اسکارگیل رسید . او دولت حاکم را بخاطر برنامه های خصوصی کردن هر چه بیشتر صنایع دولتی مورد حمله قرار داده و در این زمینه رهبران حزب

مصاحبه با بخش فارسی رادیو بی. بی. سی.

در قانون کار و قانون اساسی جمهوری اسلامی تنهاد و نوع تشکل برای کارگران پیش بینی شده است: یکی انجمن های صنفی و دیگر شوراهای اسلامی که قانون انجمنهای صنفی همراه با قانون احزاب در سال های اول انقلاب به تصویب مجلس رسیده و برای اجرا به دولت ابلاغ شده که هنوز این قانون بمرحله اجراء گذاشته نشده است. بنابراین تنها، قوانین شوراهای اسلامی کار است که در حال حاضر بر جامعه کارگری حکمفرما است.

تصویب قانون شوراهای کار و آئین نامه های اجرائی آن و تصویب قانون کار جمهوری اسلامی، اصولاً خود نقض حقوق تشکلات کارگری در ایران است و این قوانین از طریق اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف جهان و سازمان بین المللی کار رد شده و نامه های متعددی در اعتراض به وجود

چنین قوانین به سفارتخانه های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف ارسال داشته و اعلام کرده اند که قوانین کار و شوراهای اسلامی اصولاً با قوانین بین المللی کار وفق نمی دهند و نافی چنین قوانینی هستند.

برای نمونه به چند ماده از این قوانین اشاره می کنم تا بخوبی در یابید که اصولاً هیچ جنبه مثبتی در این قوانین برای کارگران وجود ندارد. مثلاً اساسنامه شوراهای اسلامی کار می گوید این اساسنامه بایستی حتماً از تصویب شورای عالی کار بگذرد و از طریق وزارت کار به مرحله اجرا گذاشته شود. در صورتیکه قوانین تشکلات کارگری را خود کارگران بایستی تعیین و تدوین کنند و به مورد اجرا گذارند - همچون اساسنامه سندیکاها در گذشته که توسط خود کارگران تدوین می شد و به وزارت کار داده می شد. و یا ماده ۲۰ در مورد وظایف شوراهای می گوید: شورا موظف

است در زمینه های اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذیصلاح را مطلع و همکاری لازم را معمول دارد. می بینیم که در این ماده وظیفه اصلی شورا را، جاسوسی در میان کارگران، شناسائی کارگران مبارز و اطلاع هر گونه حرکت و صحبتی به وزارت کار و ساواما دانسته و از طرفی همکاری با این ارگان ها، جهت جلوگیری از هر گونه حرکتی در میان کارگران است. و

یا ماده ۱۹ شوراهای اسلامی می گوید در صورت مخالفت مدیریت با هر گونه تصمیم شورا، تصمیمات شورا قابل اجرا نیست. و از طرفی انحلال شوراهای بدست گروهی است بنام هیئت تشخیص مصلحت که از نمایندگان وزارت کار و مدیران تشکیل شده است. از طرفی

همین شوراهای که شرایط انتخاب شورگان را مختص به کسانی دانسته که مسلمان و معتقد به ولایت فقیه بوده این را در عمل ثابت کرده باشند، حال حاضر شامل ۸۵ درصد کارگران ایران نمی شوند بنابراین کسانی که خود را نمایندگان کارگران در سازمان بین المللی کار معرفی می کنند، هیچ ربطی به طبقه کارگر ندارند و نماینده دولت هستند.

می دانیم طبق قانون در کارگاه های زیر ۲۵ نفر کارگران نمی توانند شورا تشکیل دهند که شامل بخش وسیعی از کارگران می شود و همچنین در صنایع بزرگ چون نفت و گاز و پتروشیمی، ذوب آهن و صنایع سنگین طبق قانون هنوز تشکلی بوجود نیامده، از طرفی تمام کارگران هتل ها، رستوران ها، فروشگاه های مواد غذایی، بهداشتی، بهداشت، آموزش و پرورش و تمام کارگران ساختمانی و بیش از چهارم نیم میلیون کارگر بیکار که طبق قانون اساسی دولت موظف به تأمین زندگی آنها است و باید حقوق بیکاری دریافت کنند، فاقد حتی شوراهای اسلامی هستند و هیچگونه تشکل دیگری نیز ندارند. بنابراین در ایران کارگران از ایجاد تشکل مستقل خود محرومند و شوراهای موجود زیر نظر دولت کار می کنند و حتی بودجه خانه کارگر را نیز دولت تأمین می کند.

س: این روزها صحبت هائی از طرف مسئولین جمهوری اسلامی روی قانون کار می شود و به نکات مثبت آن اشاراتی دارند. قطعاً این قانون جنبه های مثبتی هم برای کارگران در بردارد. نظرتان در این مورد چیست؟

مارش اعتراضی و آکسیون کارگران شهرداری ترکیه

۵ ماه پیش حدود ۲۴۲ نفر از کارگران شهرداری استانبول از طرف حزب رفاه (حزب طرفدار جمهوری اسلامی ایران) اخراج میشوند. به هیچیک از این کارگران بیمه بیکاری تعلق نمی گیرد. کارگران برای اعتراض به اخراج خود با ابتکار جمعی یک راهپیمایی و آکسیون ۲۴ روزه از استانبول تا آنکارا را سازماندهی می کنند و برای جلب افکار عمومی و کسب پشتیبانی سایر اقشار مردم ۲۰ روز در یکی از میدانی استانبول امضاء جمع آوری می کنند.

هر دو سندیکا ترك ایش و دیسک با بی اعتنائی نسبت به این حرکت کارگران برخورد کرده و منفل بودند.

حزب رفاه ترکیه در بیشتر شهرداریهای این کشور نفوذ بسیار زیادی دارد. گفته میشود این حزب در سرکوب حزب "پ. ک. ک" در کوردستان این کشور با دولت مرکزی همکاری می نماید. □

ج: می دانیم که با پیروزی انقلاب ۵۷ اکثر سرمایه داران فرار کردند و یا کارگران آنها را به کارخانه راه ندادند و کارخانجات و کارخانجات بدست خود کارگران افتاد و آنها را ملی اعلام کردند. پس از چندی دولت مدیرانی برای چنین کارخانجات تعیین کرد که کارگران بدنی کارگران یا آنها در گیر بودند. این کارخانجات تبدیل به اموال عموم بین مردم شد و دولت بر آنها ناظر گذاشت. در حال حاضر سیاست کلی مسئولین جمهوری اسلامی این است که کارخانجات را به سرمایه داران بفروشند. یعنی اموال ملت را بدون اجازه آنان در زیر اختیار گروهی سرمایه دار قرار دهند و با پول های در یافتی، اولاً، چند کارگران مباحی خود را از این بحران اقتصادی بجات دهند. ثانیاً، خرید تسلیحات، ذوب نظامی را به پیش برند. از طرفی می توان هنوز دانیم که شوراهای موجود در چنین تمامی صنایعی مشخصاً زیر نظر خانه کارگر و وزارت کار هستند و دستورات آنان را اجرای می کنند. این را سرمایه داران به تمامی خوبی می دانند. بنابراین با فروش هر یک از این کارخانجات، سرمایه داران به هیچ عنوان تحمل چنین افراد زندگی جاسوسی را ندارند و نمی خواهند کارهایشان را زیر نظر خانه کارگر به پیش برند. اگر شنیده می شود که در مورد قانون کار صحبت می کنند، بیشتر در این رابطه است که این مسئله را چگونه بنفع سرمایه داران حل کنند که از طرف دیگر کارگران و خانه کارگر را راضی نگهدارند و این گروه اصلی کار اینها در ارتباط با فروش کارخانجات به بخش خصوصی است و نه آنکه بخواهند تغییری در قانون کار بدهند.

ماده ۱۳۸ قانون کار می گوید ولایت ققیه می تواند در هر یک از تشکلات کارگری نماینده داشته باشد. ما می

دانیم که ولایت ققیه، یا نماینده او حق وتو دارد. در جوامع کارگری اگر کارگران بخواهند تصمیمی بگیرند و دست به حرکتی بزنند و یا اصولاً خواسته ای را مطرح کنند که مورد موافقت دولت نباشد، نماینده ولایت ققیه با یک نه گفتن طبق قانون کار می تواند جلوی آنها بگیرد. یعنی کارگران بایستی دست به هیچگونه حرکتی بدون اجازه دولت بزنند. کل قانون کار را اگر بخوانید می بینید که حتی از قانون کار ارتجایی رژیم گذشته نیز خیلی عقب افتاده تر است. یعنی هیچگونه نکته مثبتی در این قانون نمی بیند.

برای نمونه من به بحث چهارم قانون کار در مورد زنان اشاره می کنم. این بحث جمعاً ۵ مورد است که در مورد زنان گفته است. ماده ۷۵ می گوید: "انجام کارهای سخت و زیان آور و بر داشتن بارهای سنگین و غیر مجاز بدون استفاده از وسائل مکانیکی برای زنان ممنوع است." یعنی اینکه بر داشتن بارهای سنگین و انجام کارهای زیان آور برای مردان مجاز است. این بنظر شما ماده مسخره و فورمالیته ای نیست؟ یا ماده ۷۶ در مورد مرخصی ۹۰ روز زمان بارداری زنان است که اخیراً اصلاحیه ای به مجلس برده اند که از این به بعد این مرخصی را برای زنان دارای سه فرزند به بالا حذف کنند که با حذف آن موارد دیگر در رابطه با زنان نیز بیهوده است و اصولاً بحث چهارم بایستی از قانون کار حذف گردد.

از طرفی اصولاً تصویب قوانین در رژیم های سرمایه داری تنها و تنها برای جلوگیری از حرکت و خواسته های کارگران است و نه در جهت رفاه و

آسایش آنان و اصولاً هیچ جنبه مثبتی برای کارگران در بر ندارد و تنها سببی است برای جلوگیری از حرکت و خواسته های آنان. مثلاً اطلاع دارید که پس از پیروزی انقلاب کارگران و شوراهای کارگری آن مقطع، ۲۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطیلی را در تمامی سطوح کارگری بمورد اجرا در آوردند. تصویب قانون کار با ۴۴ ساعت کار هفتگی و یک روز تعطیل، عقب گردی است در جهت منافع سرمایه داران جدید در جمهوری اسلامی.

بنابراین این قانون هیچگونه جنبه مثبتی برای کارگران نداشته و اصولاً حرفی از تشکل مستقل کارگری به میان نمی آورد. تشکل مستقل کارگران، تشکلی است که بدون هیچگونه قید و شرطی بدون دخالت و تظلمات دولت، خود کارگران آنها ایجاد کنند و مقررات اجرایی آنها توسط خود کارگران نوشته شود و به مرحله اجرا در آید. نه آنکه مثبتی سرمایه دار به کارگران بگویند چگونه دور هم جمع شوید و چه کار بکنید و چه حرکتی را انجام دهید.

مسئولین جمهوری اسلامی معتقدند که اصولاً دخالتی در حرکات کارگری ندارند و اخیراً ۲۰ درصد به حقوق کارگران اضافه شده که خود گامی مثبت در جهت رفاه کارگران است. نظراتان در این مورد چیست؟

دخالت

ج: در مورد عدم مراجع قانونی در حرکات کارگری، من قضاوت این مسئله را به عهده خود کارگران می گذارم. این موضوعی است که اکثریت مردم ایران به خصوص کارگران از آن اطلاع کافی ندارند. شما هیچ کارخانه

و صنعتی را نمی توانید پیدا کنید که کارگران در آن حرکتی کرده باشند و سپاه پاسداران با اسلحه به آنجا هجوم نیاورده باشد. این مفایر قوانین بین المللی کار است. مثلاً در کفش ملی پس از اعتصاب، سپاه فوراً وارد عمل شد و حدود ۷۰۰ نفر را از سر کار و منازلشان دستگیر کرد و به اوین برد که هنوز تعدادی از این کارگران در زندان هستند. در کارخانه چوکا شمال، صنایع فولاد اهواز، چیت ری و پارچه بافی اصفهان، هر حرکت کارگری با سرکوب و زندان روبرو بوده است. در صنایع نفت اهواز، بدلیل عدم پرداخت اضافه کاری به کارکنان، آنها از رفتن به سر چاه های نفت جهت بازرسی، امتناع ورزیدند و از اول مهر ماه ۷۱ اضافه کاری را تحریم کردند. عدم رسیدگی به خواست کارکنان و نا دیده گرفتن مشکلات آنان اخیراً باعث آتش سوزی در چند چاه اهواز گردید. دادستان انقلاب اسلامی اهواز با گروهی مسلح اخیراً وارد عمل شده و بجای آنکه مسئولین و رؤسای نفت را مورد مؤاخذة قرار دهد، به باز جویی از کارکنان پرداخته و عدهای را به این بهانه دستگیر کرده است. بنابراین هرگونه حرکتی بشود، طبق قانون شوراهاى اسلامی، افراد منتخب شورا بایستی به سپاه و ساواما گزارش دهند و آنها هم برای سرکوب و دستگیری وارد عمل می شوند.

در مورد ۲۰ درصد افزایش حقوق، فکر می کنم از برابری ارز اطلاع دارید که در این رابطه وضع زندگی کارگران واقعاً فلاکت بار خواهد شد. یعنی اینکه به دستور بانکهای جهانی برای دادن وام به ایران، تمامی سوسیدها از روی اجناس مورد نیاز برداشته می شود، حتی قیمت نان به چند برابر خواهد رسید که با برداشتن

سوسیدها و ندادن کوپن مایحتاج عمومی تورم به حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصد خواهد رسید. در مقابل این تورم ۲۰ درصد اضافه حقوق یعنی هیچ. این برای کارگران دیوانه کننده است.

چرا جمهوری اسلامی می خواهد صنایع مونتاژ اتومبیل و غیره در ایران را توسعه دهد و از سرمایه گذاران خارجی می خواهد که در این زمینه در ایران سرمایه گذاری کنند؟ برای اینکه در ایران کارگر نیروی کارش را به قیمت ناچیزی به معرض فروش می گذارد. در ایران کارگر ارزان وجود دارد. دستمزد یک کارگر با تمامی مزایا در ایران بین ۳ تا ۵ دلار در روز است. در صورتیکه در کشورهای پیشرفته صنعتی حداقل دستمزد یک کارگر با مزایا ساعتی ۱۰ تا ۲۰ دلار است.

بنابراین هیچگونه گام مثبتی در جهت رفاه کارگران برداشته نشده و با بودن چنین رژیمی برداشته نخواهد شد و اگر در مقابل تورم ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصد، ۲۰ درصد به حقوق کارگران اضافه شده تنها تحت فشار و اعتراضات کارگری بوده است. حتی خانه کارگر اخیراً به شکلی جلوی خواست افزایش دستمزد کارگران موضع گیری کرده است.

س: شما می گوئید هیچگونه تشکل مستقل کارگری وجود ندارد. پس این اعتراضات چگونه پیش میرود؟ از طرفی می بینیم که جمهوری اسلامی علی رغم اینکه مخالف ایدئولوژیش بوده، اول ماه مه را تعطیل اعلام کرده. این را چگونه توضیح می دهید؟

ج: برای نمونه، در صنایع نفت هیچ گونه تشکل کارگری وجود ندارد. در ذوب آهن و صنایع بزرگ دیگر همینطور. اما، شاهد اعتصابان یکپارچه آنها هستیم. خوب معلوم است کارگران بخاطر فشار بیش از حد مجبورند به شکلی خود را سازماندهی کنند و دست به حرکتی بزنند. مثلاً در سال ۹۱ شاهد اعتصاب در صنعت نفت هستیم که دولت با پرداخت اضافه حقوق به کارمندان از کارگران خواست که چنانچه مایل به دریافت این مزایا هستند کارمند شوند که این مسئله باعث دو دستگی در میان کارکنان شود. هم اکنون صدای اعتراض کارگران کارمند شده بلند است که چرا ما را که کارمند کرده اید، مزایای آن را نمی پردازید؟ در صورتیکه از مزایای کارگری هم محروم شده ایم. خوب اینها ناچارند به شکلی حرکت کنند. این قانون جامعه سرمایه داری است و کارگران که منتظر دستور رژیم نمی نشینند. اصولاً قانون آنها را قبول ندارند که بخواهند مطیع آنها باشند. اگر هم می بینیم جانی جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی در مقابل حرکت کارگران می شود، این تنها بخاطر فشار و مبارزه کارگران است و هیچ دلیلی بر آن نیست که در آنجا تشکل کارگری وجود دارد. واقعاً هیچگونه تشکل مستقل کارگری در سطح ایران وجود ندارد.

از سال ۱۹۸۹ کمیته کارشناسان سازمان بین المللی کار در هفتاد و پنجمین نشست خود تا سال ۹۲ طی گزارش سالیانه خود اعلام کرده که قوانین شوراهاى اسلامی کار و قانون کار جمهوری اسلامی ایران، مفایر با قوانین بین المللی کار است و در ایران

هیچگونه تشکل کارگری مستقل از دولت وجود ندارد. تازه، رژیم اسلامی در پی ایجاد تشکلات کارگری اسلامی با کشورهای آفریقائی و بنگلادش و پاکستان و ترکیه و غیره است.

شما می گوئید جمهوری اسلامی اول ماه مه را تعطیل اعلام کرده. اول ماه مه قبل از انقلاب هم تعطیل بود. تازه، اینها برای چند سال کارگران را مجبور کردند که در این روز سر کار حاضر شوند. این ها بر اثر مبارزات کارگران مجبور شدند این روز را تعطیل رسمی اعلام کنند. اخیراً کارگران در حال تدارک برگزاری جشن اول ماه مه بطور مستقل و جدا از برنامه های فرمایشی دولت هستند.

اگر یادتان باشد حتی قانون کار ۱۳ سال پس از بقدرت رسیدن این رژیم به تصویب رسید و در این مدت به بهانه جنگ و غیره دولت هر بلائی که می خواست بسر کارگران آورد. اینها حتی از نام کارگر وحشت داشتند. در قانون کار پیشنهادی توکلی، از کارگر بعنوان کارپذیر نام برده شده بود و اصولاً منکر وجود طبقه کارگر و سرمایه دار در ایران بودند و می گفتند: قانون کاری احتیاج نیست. بر باب اجاره، قراردادی بین کار پذیر و کار پرداز بسته شود. می بینیم مبارزات چندین ساله کارگران رژیم را وادار کرد که بپذیرد در ایران هم طبقه کارگری وجود دارد و ناچار شد این قانون کار پوشالی را از مجلس بگذرانند.

در خاتمه، بعنوان کارگری در تبعید، جشن جهانی کارگری، اول ماه مه را به صوم کارگران تبریک می گویم و امیدوارم در مبارزات شان پیروز باشند.

شرکت فعالین انجمن در مراسم اول ماه مه

دنیاله ازصفحه ۰

اول ماه مه در هانوفر - آلمان

اول ماه مه در نروژ

از هفته ها قبل از فرارسیدن اول ماه مه، جلساتی از سوی فدراسیون اتحادیه های آلمان با حضور کارگران مهاجر مقیم این کشور جهت سازماندهی راهپیمایی و اجتماع این روز ترتیب داده شده بود. از سوی انجمن نیز نماینده ای در این جلسات حضور داشت.

بدون حضور عملی و فعال در مجامع و جلسات کارگری آلمان و همبستگی عملی با مبارزات و مطالبات کارگران، نمی توان افکار جامعه کارگری این کشور را نسبت به مسائل و مشکلات کار و زندگی کارگران ایران حماس و حمایت آنها را از مبارزات کارگران ایران جلب نمود. و این امر مهم، فعالیت، همکاری و همیاری بیشتری را از اعضای انجمن می طلبد و بدون همکاری کارگران پناهنده قادر نخواهیم بود در این عرصه تاثیر جدی باقی بگذاریم.

در اجتماع اول ماه مه در هانوفر، بیش از ۲۰ هزار تن شرکت کردند. در این محل، مکانی نیز از طرف اتحادیه برای کارگران ایرانی اختصاص یافته بود. فعالین انجمن با برپایی چادر و استقرار میز اطلاعاتی در این محل کوشیدند صدای کارگر ایران را در این اجتماع انعکاس دهند. تصاویر و پوسترهایی در باره شرایط عمومی کارگران ایران، زنان کارگر - کودکان کارگر، بیکاران و شرایط سرکوب در ایران جلوی محل استقرار چادر انجمن، جلب توجه می کرد. این پوسترها و تصاویر با استقبال حاضرین روبرو شد و عده ای از شرکت کنندگان در این مراسم از آنها عکس و فیلم می گرفتند.

همچنین در این اجتماع اعلامیه های انجمن به زبان آلمانی و فارسی توزیع شد، و بولتن اطلاعاتی کارگری که از سوی واحد هانوفر به زبان آلمانی تهیه و منتشر شده بود با استقبال روبرو گشت. ۸۰ جلد از این بولتن از سوی حاضرین خریداری شد.

طبق برنامه تنظیم شده، عده ای از فعالین انجمن نیز با شرکت در راهپیمایی اتحادیه فلز، همبستگی خود را با خواسته ها و مطالبات کارگران در امالات شرقی آلمان بیان نمودند.

در نروژ نیز امسال اول ماه مه از طرف انجمن جشن گرفته شد که گزارش آن را در زیر می خوانید:

بجای روز شنبه که تعطیل بود امسال روز جمعه در یکی از مدارس با شرکت نمایندگان از کشورهای ایران، ایرلند، نروژ، اکوادور، سومالی، عربستان سعودی و یوگسلاوی جشن اول ماه مه برگزار گردید. رفیقی از طرف انجمن در این جلسه حدود نیم ساعت در مورد چگونگی پیدایش اول ماه مه و انتخاب این روز در اترناسیونال کارگری، برگزاری اول ماه مه در شرایط مخفی و علنی در ایران، سابقه تشکیل اتحادیه های کارگری در ایران، اولین قانون کار ایران، وضع کنونی طبقه کارگر در ایران و شهادی طبقه کارگر در خلال مبارزات آنها سخنرانی کرد. وی با نشان دادن یک شماره از نشریه کارگر تبعیدی، توضیحاتی در باره آن به حاضرین داد و هم چنین بخشی از اعلامیه سراسری انجمن را برای حضار ترجمه نمود که مورد توجه جمع قرار گرفت. مطالب مطرح شده بطور کلی برای حضار تازگی داشت. در خاتمه بطور دسته جمعی سرود اترناسیونال خوانده شد.

عده ای از ایرانی ها روز شنبه پس از شرکت در راهپیمایی که از طرف اتحادیه ها و احزاب چپ سازماندهی شده بود، در جشن اترناسیونال در مرکز سازمانهای فرهنگی خارجیان شرکت کرده و با همکاری دوستان، در باره تاریخچه برگزاری اول ماه مه و مهم ترین خواسته های کارگران ایران، اطلاعیه ای را که قبلاً تهیه شده بود، قرائت نمودند.

همچنین از ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر در راهپیمایی بزرگ اول ماه مه که همه ساله در این شهر بزرگ صنعتی برگزار می گردد، شرکت کردند.

ص - نروژ

لازم به توضیح است که مراسم اول ماه مه از سال ۱۹۲۷ در نروژ برگزار میشود.

اضافه کاری ، بسیار ارزان است

دنباله از صفحه ۱

در قراردادهای عمومی دستمزد ماده ای وجود دارد که آشکارا به فراموشی سپرده شده است : از اضافه کاری می باید از طریق بکارگیری بیکاران و یا ایجاد شیفت ها جلوگیری کرد. . . . و در قوانین کار در مورد اضافه کاری بطور روشن آمده که: کارگران میتوانند در سال ۳۰ روز اضافه کاری کنند و تا ۲ ساعت ، با این حال ساعت کار نباید از حد ۱۰ ساعت کار روزانه فراتر رود. . . . بجز این مشتری ها از دست میروند

و اما عملا اوضاع چطور است ؟ در بسیاری از چاپخانه ها بویژه در قسمت چاپ شیفت های ۱۰ تا ۱۲ ساعت امری عادی شده است . و همچنین در سایر تستها و در کارخانه های کوچک همواره اضافه کاریها از معیارهای قانونی فراتر طلب شده و به اجرا گذاشته میشود.

استدلال کارفرمایان همواره یکی است : و آن اینکه : نیروی متخصص وجود ندارد، ترمینها پدید اجرا شود و بجز این مشتریها از دست رفته و از اینطریق محل کارها هم به خطر می افتند و غیره بحثی که بسیاری از شوراهای کارخانه و کارگاهها را هم بخود جلب کرده است .

البته کارخانه ها و کارگاههایی هم وجود دارند که شوراهای آنها به این استدلال جلب نشده اند، و در نتیجه علیه اضافه کاری مبارزه هم میکنند.

دستمزد اضافی از طریق اضافه کاری

من فکر میکنم ، الان درست زمانی است که باید تمامی شوراهای کارگاه ها و کارخانه های چاپ در آلمان تحت یک اکیسون متمرکز علیه اضافه کاری اقدام کنند. اینکه این امر ساده نیست برای من کاملا واضح است . زیرا که بسیاری از همکاران ما به این باصطلاح دستمزد اضافی عادت کرده اند و نمیتوانند در فاصله یک روز از آن صرفنظر کنند، چیزی که با پذیرش مشکلات مالی بسیار امکانپذیر است .

در کارخانه ای که منم کار میکردم ، اوضاع اینطور بود. ما تنها با کار اقتاعی طولانی با همکاران و با فشار به کارفرمایان و به زور استفاده از حق رای خود در امور کارخانه و علیه مدیران و با سالها تحمل سختی توانستیم که کار معمول دوازده ساعته در روز را به ۱۰ ساعت تقلیل دهیم و قادر شدیم تا کارگران بیشتری به کار گمارده شده و شیفتهای اضافی ایجاد شوند. حالا همه همکاران ما در شیفتهای شبانه حداکثر تا دو ساعت اضافه کاری را می پذیرند و در شیفتهای روز هم اضافه کاری وجود ندارد و جمعه ها هم کسی حاضر به اضافه کاری نیست .

اوقات آزاد بجای اضافه کاری

حال همکاران ما متوجه شده اند که چه چیزی بخش مهم زندگی آنها را تشکیل میدهد، و اینکه میتوان با اضافه کاری پولی در آورد و چیزی خرید، اما نمیتوان اوقات آزاد ، سلامتی و بهروزی را خرید و ایثرا متوجه شده اند که مبارزه برای ۳۵ ساعت کار در هفته مفهومی نخواهد داشت ، زمانیکه بنام اضافه کاری ساعات بیشتری در هفته نسبت به گذشته کار شود.

همانطور که گفته شد، با طی راه بسیار طولانی و دشوار به این شکل حل شد و در واقع با صرف انرژی و کار اقتاعی و درگیریهای بسیار با مدیران. ولی باز هم می شنویم که گفته می شود که در رقابت موجود باید قراردادهای فوری را با اضافه کاری و کارهای آخر هفته انجام داده و در واقع این امر چندان مشکلی ایجاد نمیکند.

این استدلالات مرا به این فکر فرو برد که چرا کارگاه ها و کارخانه های بسیاری به اضافه کاری علاقه زیادی نشان میدهند. بالاخره به این نتیجه رسیدم که در واقع اضافه کاری علیرغم دستمزد اضافی که در قانون در نظر گرفته شده برای کارفرمایان بسیار ارزان تمام میشود و در واقع ارزاتر از پرداخت دستمزد عادی به ساعات کار عادی روزانه . از اینرو می باید در دور بعدی بستن قراردادهای عمومی دستمزد ، کاهش شدید اضافه کاریها و گراتر کردن آن به مطالبه اصلی تبدیل شود، و در این قرار داد تاکید آورده شود که از حد معینی از اضافه کاری - من فکر میکنم از ۵ ساعت در هر ماه - می باید اساسا بشکل اوقات آزاد جبران شود و اینکه به اضافه دستمزد برای اضافه کاریها قویا افزوده شود، و در واقع حداقل ۵۰ درصد نسبت به دستمزد معمولی و با اضافه دستمزد اضافی مربوط به کار احتمالی روزهای یکشنبه و شیفتهای اضافی و البته این اضافه ۵۰ درصدی می باید حتما (از ۵ ساعت کار اضافی ماهانه به بعد) با دادن اوقات آزاد جبران شود، و برای هر ساعت می باید ۱/۵ ساعت حق اوقات آزاد (یا مرخصی) وجود داشته باشد.

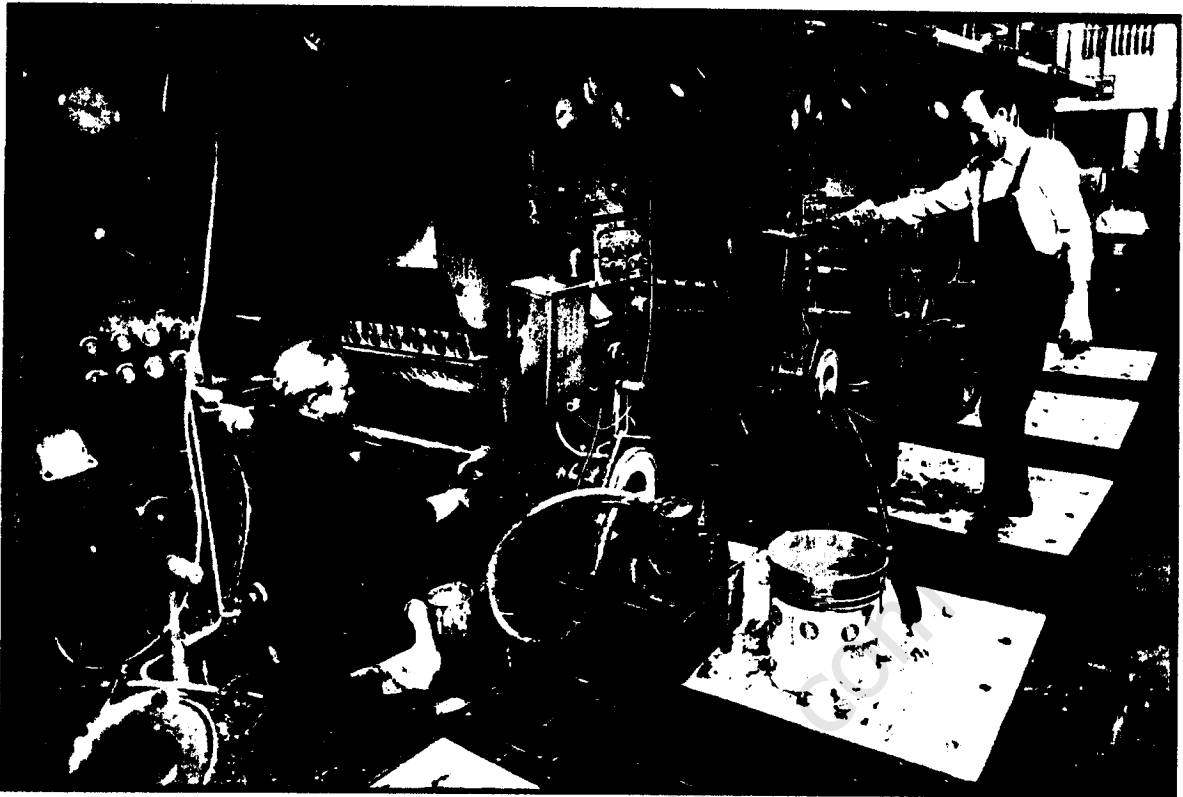
با چنین قانونی میتوان به دو هدف اساسی دست یافت :

اولا - میتوان مانع شد که شاغلین به بهای قربانی کردن سلامتی و قدریشان و به امید دست یافتن به دستمزد اضافی موقت و در شکل اضافه کاری های غیر معمولی به ثبت نام در این اضافه کاریها پردازند. میدانیم که این موضوع در شرایط کنونی کار، کمتر قابل هضم است . رئیس پیشین DGB زمانی گفت که مسئله اضافه کاری دیر یا زود باید از بین برده شود. ما بسختی و با موفقیت برای کاهش ساعات کار به ۳۵ ساعت در هفته مبارزه کرده ایم . مجموعه مباحث در اینمورد بخوبی بنیان گذاری شده و از لحاظ سلامت کار بخوبی پایه گذاری شده است . در اینمورد تا امروز چیزی تغییر نکرده است . و از نقطه نظر ۴ میلیون بیکاری که در این کشور وجود دارد، کاهش و تقسیم ساعات کار مفهوم واقعی دارد. می باید بعنوان شورای کارخانه و اتحادیه چی بحث خود را به میان همکارانی که خواهان اضافه کاری هستند برده و با آنها برخورد کنیم .

دیگر اینکه میباید به این هدف دست یافت که کارگاههایی که اضافه کاری در آنها انجام میشود نسبت به کارگاههایی که در آنها اضافه کاری انجام نمیشود مزیتی در رابطه با مسئله رقابت نداشته باشند، در این کارخانجات میباید تحت نظارت شوراهای کارخانه مقاوم و اسناد قابل اطمینان معیارهای قراردادهای دستمزد و غیره بدرستی رعایت شوند. زیرا که اضافه کاری بعنوان نمونه و بطور آشکار بسیار ارزاتر از بکار گرفتن نیروی کار اضافی تمام میشود.

خوب است این مسئله را مورد ارزیابی و محاسبه قرار بدهیم :

بعنوان نمونه سال ۱۹۹۲ را در نظر میگیریم ، که در آن بالاخره برای صنایع چاپ مسئله راندمان در قراردادهای دستمزد مورد نظر واقع شده است ، همچنین بدون در نظر گرفتن هر نوع راندمان اختیاری بالاتر از این قراردادها و یا مسائل دیگری نظیر پول غذا ، سود کارخانه و یا چیزهای مشابه دیگر . و هم چنین



در مورد کارفرمایان - میتوان از مسئله بیمه های اجتماعی صرف نظر کرد، چرا که این بیمه ها در مجموعه دستمزد در نظر گرفته و ربطی به اضافه کاری ندارد. بعنوان پایه کارگری با گروه حقوقی V را در نظر میگیریم :

سود اضافی برای کارفرما

سال ۱۹۹۲ در مجموع بدون شنبه ها و یکشنبه ها ۲۶۲ روز کاری بود، که هر روز بطور متوسط با $7/4$ ساعت میشود $1938/8$ ساعت، که با در نظر گرفتن مجموعه دستمزدها و با ساعتی ۲۱ مارک مجموعاً به $70.41/4/80$ مارک بالغ میشود. به این مبلغ سایر مبالغ قراردادهای دستمزد اضافه میشود. در نتیجه :

مزد	۴۰۸۱۴/۸۰
پول اضافی مرخصی	۲۳۳۱/۰۰
(بهره وری (اراندمان سالانه	۳۳۵۹/۷۵
Vermagen wirks. Leistung	۶۲۴/۰۰
هزینه پرداخت حساب	۳۰/۰۰
مجموع دستمزد سالانه	۴۷۰۵۹/۵۸

این دستمزدی است که همکاران ما در گروه حقوقی V، بدون در نظر گرفتن مبالغ اضافی خارج از قراردادهای دستمزد، بدون پرداخت های ویژه سالیانه در کارت حقوقی خود دارند. این دستمزد خالص باید ۳۰ روز مرخصی، ۱۵ روز تعطیلی با دستمزد را کم کرد، که در مجموع ۲۰۸ روز کار با متوسط ساعات کار $7/4$ باقی می ماند که در نتیجه ۱۵۳۹ ساعت کار شده و عملاً دستمزد برای این ساعات پرداخت می شود، که سرانجام برای هر ساعت کار واقعی $30/58$ مارک قابل محاسبه است. این دقیقاً $145/6$ درصد هر ساعت مطابق قراردادهای دستمزد است.

اما ارزش ساعات کار اضافه چقدر است؟ مطمئن می باید برای ساعات اضافه کاری اضافه دستمزد پرداخت شود. اگر دستمزد برای این ساعات کار محاسبه شود میتوان گفت که این مقدار برابر است با (۲۱ مارک + ۳۰ درصد) یعنی (۲۱ مارک + $6/30$ مارک) که مجموعاً $27/30$ مارک می شود. یعنی $3/28$ مارک کمتر است از ارزش ساعات کار معمولی که در بالا محاسبه شد. میدانیم که در مزد اضافه کاری پول مرخصی، بهره وری و غیره محاسبه نمیشوند.

نتیجه اینکه کارفرما این اختلاف $3/28$ مارک را بعنوان سود بچیپ می زند.

البته با این مقدار نمیتوان یک پاکت سیگار خرید. ولی اگر محاسبه ادامه پیدا کند با ساعت کار اضافه ماهانه ۱۰ ساعت این مقدار سالانه ۱۲۰ ساعت میشود که در مجموع مبلغی برابر با ۳۹۴ مارک میشود.

و اگر همینطور محاسبه ادامه یابد، و چنانچه در یک قسمت و یا در یک کارگاه ۱۵۳۹ ساعت کار اضافی انجام شود برابر با کار سالانه یک کارگر خواهد شد. این در یک کارگاهی با ۱۳ کارگر و ماهانه ۱۰ ساعت کار اضافی برابر با نیم ساعت کار اضافی برای هر نفر خواهد شد. ولی با این کار اضافی یک محل کار نابود میشود در حالیکه کارفرمایان با این کار اضافی سودی برابر $1639 \times 4/28 = 50.48/92$ مارک بچیپ میزنند، چیزی که کارفرما میتواند آنرا بعنوان سود شخصی در محاسبات شخصی خود وارد کند و یا آنرا در خدمت نوسازی کارگاه خود قرار دهد.

اگر ما این محاسبه را در نواحی دیگر و کارخانجات بزرگ که در آنها نه فقط ۱۵۳۹ ساعت بلکه هزاران ساعت کار اضافی انجام میشود ادامه دهیم، نتایج دیگری بدست میآید. اگر کارخانه ای را در نظر بگیریم که در آن ۱۰۰۰ کارگر کار میکنند و اضافه کاری برای هر نفر برابر با ۱۰ ساعت در ماه انجام شود در نتیجه سودی معادل ۴۰۰۰۰۰۰ مارک عاید میشود،

سازمان فردای سرخ : سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را قاطعانه محکوم کرد

نامه انجمن دمکراتیک کارگران ترك مقیم هلند به انجمن

در پی تلاش رفقای واحد انجمن در هلند و اعلام هفته همبستگی با کارگران ایران و ارسال مدارک و قطعنامه انجمن برای تمامی تشکلات کارگری این کشور، سازمان فردای سرخ که بیانگر نظرات کارگران بندر نتردام هلند بوده و پایگاه عظیمی در میان این کارگران دارد، نامه ای به واحد انجمن در هلند ارسال داشته که از نظرتان می گذرد:

نتردام ۹۳/۳/۲۳
دوستان عزیز:

بدینوسیله همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی اعلام داشته و از قطعنامه انجمن کارگران تبعیدی در هلند حمایت می کنیم .
با وجود اینکه ما به شرایط کارگران ایران بسیار توجه داشته ایم اما اکنون برایمان روشن شد که از جنایات رژیم نسبت به کارگران اطلاع چندانی نداشتیم .
با وجود سرکوب شدید و ترور کارگران ، برای ما جای بسی امیدوارست که جنبش اعتراضی کارگران ایران با مبارزه و اعتصابات خود علیه سرکوب و استثمار پیاخته اند ، ما یقین داریم که کارگران در مبارزه خود جهت خواسته هایشان و از آنجمله آزادی و دموکراسی موفق خواهند شد، اعتقاد داریم که مبارزه و پیروزی کارگران در ایران مسئله کارگران جهان بوده و ما همبستگی خود را با مبارزات آنها اعلام داشته و اعتراض خود را به نقض حقوق آنان از طرف جمهوری اسلامی اعلام می داریم .
با توجه به دلایل فوق، ما خواهان حق تشکل مستقل و حق اعتصاب نامحدود برای کارگران ایران هستیم ، کلیه فعالین کارگری زندانی در رژیم اسلامی بایستی آزاد شده و همبستگی خود را با مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام می داریم .

ایرون توسانیت - سازمان فردای سرخ

انجمن دمکراتیک کارگران ترك (DIDF) ، فدراسیون مستقل است از کارگران ترك مقیم هلند، که در سال ۱۹۸۵ تشکیل گردید است . این انجمن اهداف زیر را دنبال می کند:
- مبارزه علیه تبعیض نژادی و فاشیسم
- مبارزه برای حقوق مساوی
- همبستگی با خلقهای ترکیه و جهان

بندنبال تماس فعالین انجمن در هلند با سازمانها تشکلهای کارگری ، انجمن مذکور نیز نامه ای در حمایت کارگران ایران به واحد هلند ارسال داشته که متن آن به شرح زیر است .

دوستان !

ما به فشار سنگین سیاسی - اقتصادی رژیم فاشیست جمهوری اسلامی بر طبقه کارگر و ملیت ها آگاهیم. نقض حقوق انسانها ، سیاست همیشگی این رژیم می باشد. آزادی خواهان مبارزین و کارگران مبارز در این رژیم یا زندان و یا اعدام میشوند.

طبیعی است که علیه این شرایط می بایستی مبارزه کرد این مبارزه به حمایت بین المللی نیازمند است : حمایت همبستگی اتحادیه ها، جنبش کارگری و سازمانهای دمکراتیک مترقی در جهان نشان خواهد داد که خلق ایران در مبارزه خود علیه سرکوب و استثمار تنها نیست .
انجمن دمکراتیک کارگران ترك در هلند به همراه طبقه کارگر و خلقهایی که برای دموکراسی و رهایی مبارزه می کنند ، اتحادیه ها ، سازمانهای دمکراتیک و انقلابی و مدافعان حقوق انسانها را برای حمایت از خلق ایران در مبارزه علیه رژیم فاشیستی ایران فرا می خواند.

از طرف رهبری : DIDF

اضافه کاری ، بسیار ارزان است

که این مبلغ در رابطه با سرمایه گذاریها و رقابتها اثرات کاملاً دیگری بجای میگذارد.
نتیجه :

مادامیکه اضافه کاری بعنوان مزد اضافی (یا بهبود مزد) از جانب کارگران مورد استفاده قرار گیرد، مادامیکه اضافه کاری برای کارخانجات از لحاظ هزینه ارزاتر از دستمزد معمولی تمام شود، این مسئله در برابر ایجاد اشتغال جدید از جانب کارفرمایان مورد استفاده قرار خواهد گرفت . و مادامیکه در تمام کارخانجات مبارزه ای پایدار و همه جانبه علیه جریان اضافه کاری انجام نشود، این مسئله از جانب سرمایه داران مورد سودجویی قرار گرفته و بضرر سلامت همکارانمان تمام می شود و همینطور بضرر کسانی است که بیکارند و درخیابانها آواره اند.
اما اگر ارزش اضافه کاریها برابر با ارزش دستمزد ساعات کار معمولی شود و اگر در برابر اضافه کاریها اوقات مرخصی معادل در نظر گرفته شود، در آنصورت کارفرمایان سریعتر آماده خواهند شد تا همکاران جدیدی را بکار بگیرند و هزینه های

بیشتری را برای کارآموزی در نظر بگیرند.

کارخانه پوشش شهر رشت آتش گرفت

پیش از فرا رسیدن سال نو، مدیران و حسابداران شرکت پوشش که در ۸ کیلومتری شهر رشت قرار دارد این شرکت را به آتش کشیدند.
شرکت پوشش که قالی های ماشینی ، موکت و سایر فرآورده های اکیلی تولید می کند، دارای ۱۶۶۰ کارگر و متخصص است که بصورت شبانه روزی در ۳ نوبت کار میکنند.
مدیران این کارخانه که از وابستگان و سردمداران رژیم (ازجمله حاج احسانبخش نماینده ولایت فقیه در استان گیلان) می باشند، بعلت دزدی های کلان و بخاطر فرار از حسابرسیهای پایان سال دست به آتش زدن عمدی این شرکت زده اند.
کارگران این کارخانه اکثراً معتقدند که این آتش سوزی مشخصاً بدست روسا و مدیران صورت گرفته که دزدی های آنها با رسیدگی به امور مالی در آخر سال بر ملا نگردد.

رفیق یدالله خسرو شاهی با نماینده ۸۱۰۰۰ تن از کارکنان اتویوس رانی انگلستان (پیتروکیوسون) مصاحبه ای کرده که قسمت اول آن در کارگر تبییدی شماره ۱۹ به چاپ رسید. در این شماره توجه شما را به قسمت دوم مصاحبه جلب می کنیم:

"حزب کارگر" و طبقه کارگر انگلیس

شود و در نتیجه باید مبارزه کند.

س: نظرتان در مورد حرکت های کارگران صنایع مختلف از جمله راه آهن، اتویوس رانی و غیره چیست. آیا اینها می توانند روی دولت تأثیر بگذارند؟ آیا احتصابات یک روزه کارکنان اتویوس رانی و یاراه آهن سراسری می تواند تأثیر چندانی بگذارد؟

ج: به طور مشخص حمل و نقل و بویژه در لندن، و به دلیل پیچیده بودن سیستم. اتویوس، قطار و مترو وسائط نقلیه ای هستند که بطور شبکه ای مورد استفاده قرار می گیرند. مردم مقصد خود را با یک نوع وسیله نقلیه شروع می کنند و با نوع دیگری به پایان می رسانند. در نتیجه احتصاب می تواند کل این سیستم را فلج کند. دولت به این مسئله کاملاً واقف است. و در موارد حساس مبارزه حتی با بازخرید کردن کارگران مبارز سعی می کند آنها را از محیط مبارزه دور نگاه دارد. برای مثال موقعی که دولت تصمیم گرفت سیستم جدید کار در مترو (بجای راننده و یک کمک راننده که مسئول باز و بسته کردن درها است، استخدام یک نفر که هر دو کار را انجام دهد.) را برقرار کند، کارگران با آن مخالفت کردند و احتصابی سازمان داده شد که سریع از هم پاشید. زیرا دولت حاضر شد به کسانی که حاضر بودند تحت سیستم جدید کار کنند، ۷ پوند اضافه حقوق در هفته پرداخت کند. این مبلغ قابل توجهی است. در شرکت اتویوس رانی هم به همین شکل مبالغی از این قبیل به کارگران پیشنهاد می شود تا بتوانند شرایط کار را تغییر دهند. من خبر دارم در گاراژ

آورد، مجبور شده اند به مبارزه با آن روی آورند. بنابراین ما با انتشار جدیدی که به مبارزه روی می آورد روبرو هستیم. من فکر می کنم در چند ماه آینده کارکنان شهرداری های محلی، خدمات اجتماعی و غیره دست به اعتصاب خواهند زد. مسئله دیگر این است که، در گذشته هنگامیکه برای مثال معدنچیان و یا کارگران بنادر اعتصاب می کردند، همراه با آنها خانواده های آنها و در نتیجه همه از پیرو جوان، زن و مرد، در این اعتصاب درگیر می شدند. بنابراین اعتصاب تنها یک مبارزه صنفی نبود بلکه یک مبارزه اجتماعی به حساب می آمد. این چیزی است که فکر می کنم در آینده به عنوان یک فاکتور عمل خواهد کرد. هم اکنون در صنف خودمان، ما از طریق میزهایی که در اماکن عمومی قرار داده ایم، در دفاع از معدنچیان به جمع آوری امضاء، جهت جلوگیری از بسته شدن معادن زغال سنگ، پرداخته ایم. با وجود اینکه به ایام کریسمس نزدیک می شویم و مردم مشغول خرید و تدارکات و غیره هستند، استقبالی که از این مسئله شده بی سابقه است. این احساس همبستگی مشخص کننده تغییر و تحولی است که در جامعه و بخصوص در میان اقشار مختلف کارگر به وضوح به چشم می خورد. این خود نوعی آگاهی اجتماعی است. تعداد زیاد کسانی که به دفاع از معدنچیان برخاسته اند از کارکنان صنف های دیگر از قبیل خدمات اجتماعی، بیمارستان ها و معلمان هستند که خود مورد حمله دولت و کارفرمایان قرار گرفته اند. بنابراین آری، کارگران مبارز مانوفاکتورهای بزرگ از میان رفته اند ولی طبقه کارگر همچنان استثمار می

س: در هر دوره از مبارزات کارگری یک گروه از کارگران در رأس حرکت قرار می گیرند. یک موقعه کارگران کشتی رانی بودند، زمان دیگر معدنچیان بودند. اما واقعیت این است که جامعه به شکلی تحول پیدا کرده که آنها دیگر نمی توانند این نقش اساسی گذشته را بازی کنند. چون آن شکل شیوه کار جذابیت خود را بمرور زمان از دست داده. فکر می کنید در شرایط کنونی کدام گروه از کارگران می توانند نبض اصلی حرکت را در دست بگیرند و روی دولت تأثیر بگذارند.

ج: بله این درست است که تاریخاً کارگران صنایع سنگین در انگلستان سنگر اصلی مبارزه بوده اند اما، صنایع سنگین مانوفاکتور در این کشور تقریباً از بین رفته اند. اثری از معادن وجود ندارد. از بندر و کارگران آن خبری نیست. بنابراین مبارزین سابق و رادیکال مستقر در این صنایع هم دیگر وجود ندارند. ولی آنچه از اهمیت ویژه ای برخوردار است این است که در طی ۶ تا ۷ سال گذشته گروه های کارگر متعدد دیگری به مبارزه روی آورده اند. اگر شما ۱۵ یا ۲۰ سال پیش به من می گفتید معلمان و یا کارکنان خدمات بهداشتی و یا کارمندان اداره های مختلف به اعتصاب دست خواهند زد، من می گفتم اشتباه می کنید و این هرگز اتفاق نخواهد افتاد. ولی امروز علی رغم به تعطیل کشیده شدن بسیاری از صنایع سنگین، اقشار مختلف کارگر از یک صنعت به صنعت دیگر منتقل شده اند. معلمان، کارمندان، کارکنان خدمات بهداشتی که در گذشته جزء متحدین دولت به حساب می آمدند، امروز بخاطر فشارهای شدید اقتصادی که سیستم سرمایه داری بر آنان وارد می

دیگری در لندن که جهت تغییر شرایط کار مبلغ ۶ هزار پوند نقد ینه به کارگران پیشنهاد شده است. در واقع کارگری که این مبلغ را قبول کند، در طول سه سال آینده چیزی از دست نمی دهد و در ضمن مبلغ هنگفتی هم امروز در دست دارد. به خود من مبلغ ۲۵ هزار پوند به عنوان باز خرید پیشنهاد کردند. بسیار خوب من خودم رهبر انتخاب شده کارگران هستم و می دانم آنها می خواهند از شر من خلاص شوند. اما کارگران دیگری که مثل من باز خریدی شامل آنها می شد، این پول را قبول کردند. در مورد معدنچیان تا مبلغ ۳۵ هزار پوند به آنها پیشنهاد کرده اند. این تنها راه کم کردن نیروی کار است. دولت می داند که در صورت وقوع یک اعتصاب عمومی هیچ شانس برایش وجود ندارد. بنابراین برای پیش برد مقاصد خود، باید عملاً طبقه کارگر را خریداری کند.

پرداخت مبالغ این چنانی به کارگران از طرف دولت و کارفرمایان تجلی نیروی عظیم این طبقه است که آنها از آن می هراسند. قابل درک است اگر کارگری که ۴ تا ۵ سال تا بازنشستگی او باقی مانده است، پول باز خریدی را قبول کند و برود. دولت به هیچ وجه مایل نیست با کارگران سر شاخ شود. تمام تلاش خود را می کند که از هر گونه اعتصابی پرهیز کند. بهر حال مسئله باز خریدی، من یکی را که از مبارزه دلسرد نکرده است. این نشان ضعف ما نیست، بلکه قدرت ما را به نمایش می گذارد.

س: نظرتان در مورد احتمال بکارگیری ارتش توسط دولت در طول اعتصاب کارکنان اتوبوس رانی و غیره چیست؟

ج: ارتش تخصص لازم برای انجام این کار را ندارد. حتی تعداد کافی برای این کار ندارد. در گذشته امکان چنین کاری بود ولی نه در شرایط کنونی. زمان اعتصاب عمومی سال ۱۹۲۶، دولت موفق شد از کارکنان اقتشار میانی برای راندن اتوبوسها استفاده کند. در شرایط کنونی خود این اقتشار میانی با دولت در ستیز هستند و دیگر حاضر به همکاری با آن نیستند. ارتش انگلیس برای انجام این نوع کار ها تعلیم لازم و کافی ندیده است. شاید بتوانند تعدادی کامیون برای حمل و نقل مردم و چیز های دیگر بکار گیرند، ولی نه به تعداد وسائط نقلیه موجود. دولت حتی به اندازه کافی کشتی برای انتقال سربازان به جزایر فولکلند نداشت.

س: آیا فکر می کنید فروپاشی شوروی و بلوک شرق تأثیری روی مبارزات کارگری به طور کلی گذاشته است؟ و اگر گذاشته به چه صورت؟

ج: برای اکثریت طبقه کارگر تفاوتی نداشت. تأثیر آن بیشتر روی فعالین جنبش کارگری بود. بطور مشخص تأثیر آن روی احزاب استالینیستی بسیار مشهود است. آنها در مواردی فعالیت سیاسی و یا اتحادیه ای خود را کنار گذاشته اند. بخاطر اینکه آنان بالاخره متوجه شدند که تمام عمر سیاسی خود را در جهت اشتباه قدم نهاده بودند. اما تعلیماتی که آنها در احزاب استالینیستی دیده اند همچنان وجود دارد. و این تعلیماتی است که به آن دسته از آنها می که همچنان فعالیت می کنند، یاری می رساند که زیر پوشش چپی، در خدمت رهبران دست راستی اتحادیه ها و حزب کارگر، قرار گیرند. بنابراین علی رغم

اینکه دیگر عضو حزب کمونیست بریتانیا نیستند، ولی نقشی را بازی می کنند که آنها می که اکنون حزب را ترک کرده اند، در گذشته بازی می کردند. البته تعداد خیلی از آنها همچنان عضو احزاب گوناگون کمونیست در بریتانیا هستند. یکی از آنها اخیراً به من می گفت: "بهرتر بود دو باره دیوار برلن را می ساختند". برای اینکه او هنوز به روزهای گذشته فکر می کند. تأثیر این مسئله روی عناصری از این قبیل که در حزب کارگر بودند این بود که آنها روند نزدیکی به راست را آغاز کردند. به این دلیل که آن مدل جامعه ای که مد نظر داشتند دیگر از میان رفته است. بنابراین برای اکثریت رهبری حزب کارگر اکنون مسئله این است که چگونه سرمایه داری را به نحو بهتری بکار گیرند. این برای آنها بسیار مشکل است. زیرا، سرمایه داری خودش در حال اضمحلال بسر می برد. اما تأثیر این مسئله روی آدمهایی مثل من بسیار مثبت بوده. برای ما فرصتی فراهم شد که تا آنجایی که توان داشتیم رهبران استالینیست را از اتحادیه ها بیرون برانیم. البته تعدادی از آنان همچنان باقی مانده اند اما قدرت گذشته خود را از دست داده اند. در اتحادیه خود ما چند تا از آنها وجود دارند که اندکی در میان کارگران نفوذ دارند. بهر حال مبارزه ما با آنها ادامه دارد.

نکته مثبت اما - که من نمی دانم واقعاً طبقه کارگر تا چه اندازه این را درک کرده است - این است که، در ابتدا بنظر می رسید سرمایه داری به طریقی می رفت که اقتصاد شوروی و یا لهستان و یا دیگر کشورهای بلوک شرق را از فلاکت نجات دهد. این توهم هر چه سریعتر در حال از میان رفتن است.

آنان عامل اصلی در شکل نگرفتن این اتحاد است. جان می جر نخست وزیر انگلیس می گوید، من طرفدار سر سخت اتحاد اروپا هستم به شرط اینکه کارهایی که بقیه از او توقع دارند را انجام ندهد. بنابراین چگونه می توان اسم این را اتحاد گذاشت.

در این میان کارگران تلاش می کنند قوانین و مصوبات مربوط به حقوق کارگران که از طرف این کشورها ارائه می شود را بررسی کنند و در روند این اتحاد بخش های پیشرفته هر یک را از آن خود کنند. برای مثال قوانین اجتماعی بهتری در آلمان وجود دارد تا در بریتانیا. در صنف خود ما قوانین محدودتری در رابطه با ساختن اتوبوس و کابین راننده وجود دارد تا در آلمان و سوئد. و چیزهای دیگری از قبیل پرداخت حقوق کامل به زنان در ایام بارداری و غیره که در کشورهایی مثل یونان و اسپانیا به مراتب بهتر است. در نتیجه کارگران کشورهای مختلف سعی میکنند بهترین قوانین و شرایط کار را بدست آورند. و از این طریق کارگران کشورهای اروپائی به خواست نسبی خود خواهند رسید.

س: مسئله ای که اکنون برای کارگران در ایران مطرح است، مسئله خصوصی کردن صنایع است. فکر می کنید کارگران ایران باید چگونه با این مسئله برخورد کنند؟

ج: قبل از هر چیز باید بگویم، طبقه کارگر بریتانیا در مبارزه اش علیه خصوصی کردن صنایع مختلف، چندان موفق نبوده است.

قوانین گوناگونی در این مورد از طریق

کارفرمایان در بسیاری موارد خود را بشکل بین المللی سازمان داده اند. برای مثال در کارخانجات بزرگ اتومبیل سازی. ما خودمان در حال حاضر مشغول برقراری ارتباطات با کارکنان اتوبوس رانی در پاریس هستیم. آنها شرایط مشابهی با ما دارند و امیدواریم که بتوانیم اتحاد عمل های صنفی بوجود آوریم. اگر همه چیز خوب پیش برود در نظر داریم تظاهرات اول ماه می را با هم و همزمان در لندن و پاریس برگزار کنیم. ما باید سعی کنیم اتحاد بین المللی را در سطح کارگران بوجود آوریم و نه در سطح بوروکرات های اتحادیه ها. این اتحاد هم اکنون در سطح بوروکراسی وجود دارد ولی من مطمئن نیستم چیزی از آن بیرون بیاید. اما مسئله اتحاد کشورهای بازار مشترک چیزی است کاملاً متفاوت. من مطمئن نیستم این کشورها به یک اتحاد در آن سطحی که صحبتش را می کنند برسند. به این دلیل که منافع سرمایه داران این کشورها از لحاظی با هم متفاوت است. اما، ما نباید فراموش کنیم که دلیل اصلی این اتحاد، بوجود آوردن بلوکی در مقابل سرمایه داران امریکایی و ژاپنی است. اما، آنان هرگز به یک اتحاد مالی (نهایتاً یکی شدن ارز این کشورها) نخواهند رسید. این ایده به بن بست رسیده است. کنفرانس های اخیر پیر منگام و ادینبورو برای ایجاد یک اتحاد سیاسی بی نتیجه ماندند. به نظر می رسد تنها راه رسیدن به یک اتحاد عمل سیاسی این است که به هر کشوری اجازه داده شود هر کاری خودش می خواهد انجام دهد. مشکل اینها این است که هر فراکسیون مالی درون سرمایه داری سعی دارد سهم بیشتری از بازار را به چنگ آورد. تضاد منافع

کارگران درمی یابند که سرمایه داری به همان درجه و نسبتی که نمی تواند جوابگوی مسائل اقتصادی شوروی و لهستان باشد، به همان درجه هم نمی تواند پاسخگوی مسائل اقتصادی کشوری مثل انگلستان باشد. و این اعتقاد که سرمایه داری برتری خود به نوع سازماندهی اقتصادی - اجتماعی که در بلوک شرق وجود داشت را ثابت کرده است، دیگر اعتبار خود را از دست داده است. در نتیجه این خود نکته مثبتی است. مشکل اساسی این است که کارگران را متقاعد کنیم که این سیستمی که در اروپای شرقی وجود داشت، هرگز سیستمی سوسیالیستی به مفهوم واقعی نبود. تصورات بسیار غلطی در این مورد در اتحادیه ها و حزب کارگر وجود داشت.

خلاصه کنم، در این مورد بطور کلی نکته مثبت این است که کارگران در یافته اند که، تلاش در جهت بکارگیری اقتصاد سرمایه داری در کشورهای اروپای شرقی نه تنها تاکنون با ناکامی زیادی روبرو گشته است بلکه در کشورهایی هم که اندکی پیش رفته است، بجز بدبختی، فلاکت و مشکلات اجتماعی بسیار، چیز دیگری به ارمغان نیاورده است. در رابطه با ارتقاء آگاهی توده طبقه کارگر این نکته مثبتی است.

س: نظرتان راجع به اتحاد اروپا چیست و تأثیرش روی طبقه کارگر چه خواهد بود؟ آیا خود کارگران هم متوجه شده اند که باید در سطح جهانی متحد شوند؟

ج: دو مسئله کاملاً متفاوت وجود دارد. اتحاد کارگران کشورهای مختلف مسئله ای است محوری برای اینکه

پارلمان به تصویب رسیده است و علی رخم مخالفت های زیادی که در طول انتخابات گذشته، از طرف کارگران با آنها شد، حزب کارگر حاضر نشد در برنامه انتخاباتی خود اعلام کند که در صورت به قدرت رسیدن، آن بخش هایی از صنایع که توسط دولت محافظه کاران خصوصی اعلام شده است را دو باره ملی می کند. این مسئله مبارزه طبقه کارگر را در این راستا بسیار تضعیف کرد.

من شخصاً در جریان مبارزه علیه خصوصی کردن صنایع مختلفی بوده ام. تأثیر خصوصی کردن یک صنعت و یا یک نوع خدمات اجتماعی بر روی صنایع و خدمات دیگر کاملاً مشهود است. و تأثیرات آن بر مردمی که از این خدمات استفاده می کنند بسیار زیاد است. ما باید بتوانیم همه مردم را درگیر این مبارزه کنیم زیرا این یک مبارزه اجتماعی است و اقشار گوناگون مردم را در بر می گیرد. دولت اجازه ندارد سرمایه هایی که متعلق به مردم است را به عده ای سرمایه دار بفروشد. نمونه هایی وجود دارد که دولت حتی حاضر شده است - به طور پنهانی - به سرمایه داران پول نقد بدهد تا مسئولیت صنعت مشخصی را از دوش آن بردارند. زمانی که برخی صنایع نظامی بفروش رسید، بعدها معلوم شد دولت به عده ای حتی پول داده است که این صنایع را از آن تحویل بگیرند. البته روی کاغذ نشان داده می شود که اینها کارخانجات را خریده اند.

من اخیراً با یکی از بانکداران در مورد خصوصی کردن شرکت اتوبوس رانی لندن صحبت می کردم. وقتی از او پرسیدم چه کسی حاضر است این اتوبوس های قدیمی و از کار افتاده را از دولت بخرد، جواب داد: «مواقعی

پیش می آید که دولت دیگر از پس هزینه مقداری از صنایع بر نمی آید و مجبور است برای خلاصی از آنها، حتی مبلغی پرداخت کند تا بار مسئولیتشان از گردنش برداشته شود؟

من نمی دانم در ایران مسئله به چه صورتی است. در آنجا ممکن است صنایعی وجود دارند که از درجه سود آوری بالایی برخوردار باشند. در بریتانیا اما، خصوصی کردن به هیچ وجه نفع مردم عادی نیست و مصائب و بدبختی های زیادی برای آنها به بار می آورد.

اما بطور کلی در ایران اولاً - صنایع ملی متعلق به مردم است و دولت حق ندارد و نباید دست بفروش آنها بزند. ثانیاً - در صورت پیش آمدن چنین مسئله ای باید دید صنایع به چه قیمتی بفروش می رسند. آیا مثل اینجا مجانی در اختیار بخش خصوصی قرار می گیرند یا نه؟ آنچه مسلم است باید سیاست های دولت در این مورد افشاء شوند و برای توده ها توضیح داده شود.

س: وضعیت کنونی کشورهای سرمایه داری انفجار آمیز است و اکثراً دچار بحران شدید هستند. طبقه کارگر هم در این وضعیت در حال از دست دادن کلیه دست آوردهای گذشته خود است. برای جلوگیری از این وضعیت چکار می توان کرد و بطور کلی آلترناتیو طبقه کارگر برای مبارزه با ایدئولوژی سرمایه داری چیست؟

ج: من در مورد توانایی طبقه کارگر در امر ارتقاء تمدن بشری بسیار خوش بین هستم. سرمایه داری این رسالت را دیگر از دست داده است. اکنون گفته

قدیمی و مشهوری که می گوید: یا سوسیالیسم یا بربریت، بطور واضح در مقابل ما قرار دارد. از طرف دیگر وقت و زمان مشخص برای وقوع حوادث تعیین کردن هم کار خطرناکی است. در اوایل قرن بیستم هیچ کس نمی توانست باور کند که در یکی از عقب مانده ترین کشورهای دنیا (روسیه) و در شرایطی که ضد انقلابی ترین سلطنت پادشاهی در این کشور حکمفرما بود، طبقه کارگر بتواند قدرت را بدست گیرد. در سال ۱۹۳۷ همین مسئله می رفت که در اسپانیا هم بوقوع بپیوندد. اسپانیا، کشوری که طبقه کارگر و دهقان در آن به شدیدترین وجهی سرکوب می شدند. و اگر بدلیل دخالت فاشیست آلمان و ایتالیا نبود، طبقه کارگر در آنجا هم ممکن بود قدرت را بدست گیرد. در نتیجه مشکل است پیش بینی کرد که طبقه کارگر به چه شکلی عمل می کند. تجربه شخصی به من آموخته است که، اقشاری از طبقه کارگر که بنظر می رسد هیچ وقت حرکتی انجام نمی دهند، چرا که در گذشته مبارزه ای از طرف آنان انجام نگرفته است، اقشاری هستند که در آینده می توانند ما را به تعجب وادارند. به یک نمونه مشخص در صنف خودمان اشاره می کنم.

گاراژ های اتوبوس رانی که ما هیچ وقت فکر نمی کردیم حرکت رادیکالی انجام دهند، اخیراً به مبارزه برخاسته اند و حتی اعتصابات را رهبری کرده اند. سال گذشته در منطقه وولتم استو، کارگران به اعتصاب فرا خوانده شدند. این اعتصاب ۱۹ روز ادامه داشت و پیروز شد و کارگران به خواست های خود رسیدند. پیش از آن ما هرگز تصور نمی کردیم که در این منطقه

نفوذ سازمان جاسوسی CIA

در سندیکای بزرگ سراسر رانندگان کامیون در ایالات متحده آمریکا

جدید سندیکا که انتخابی اند حق دارند مسئول پیشبرد مسائل خود باشند و در جهت منافع کارگران مذاکره کنند بدون دخالت کمیسیون انتصابی این کمیسیون بالاترین ارگان این سندیکا باید باشد طبق تصمیم دادگاه سرمایه داری .

آقای رن کاری (Ron Carey) (دبیر) و سخنگوی انتخابی سندیکا در تاریخ ۲۹-۷-۱۹۹۲ در مطبوعات اظهار داشته : ما انتخابات دمکراتیک خود را پشت سر نهادیم . به شیوه دمکراتیک مسائل خود را سازمان دادیم . ما نیازی به ارگان دیگری خارج از روابط مان نداریم . با شیوه دمکراتیک و آگاهانه خود اعضاء فاسد که باندی را در سندیکا تشکیل داده اند نابود کردیم . الان زمانی شده که دولت با دادگاههایش برای ما رهبر انتصاب می کند . این رهبران انتصابی در مناسبات ما جانی ندارند . تحمیل آن غیر اصولی و برای ما یک فشار بزرگی است ، دولت در قرارداد ما Het Consent Decree کارشکنی کرده . آنها قول داده اند که در کار ما دخالت نداشته باشند و ما این سئله را در مناسبات دمکراتیک خود (انتخابات) حل خواهیم کرد . اما با جود این قرار داد ، دولت کمیسیونی معرفی کرد که اعضای آن مجازند هر خالتی را بکنند در جلسات و یا هر موضوعی را در جلسه عنوان کنند مثلا راجع به شرکت ها و یا در باره CIA این شیوه و موضوعات نامبرده در تضاد با قوانین و شیوه کار ما در رابطه با منافع عمومی سندیکا است . گذشته از این برای ما کلی گران تمام می شود بدلیل اینکه در مورد همه چیز تصمیم می گیرند . این نمایندگان در قبال هر ساعت کار خود ۲۸۵ دلار مزد می گیرند . این معنایش غارت صندوق ماست . صندوق ما با رنج و درد کارگران بوجود آمده . این کمیسیون به صندوق ما حمله برده اما بدون اسلحه . آنها جانی در میان ما نخواهند داشت .

سندیکای (Ltu) IBT (Teansters) در برابر ویلیام وبستر مقاومت می کند .

تصمیم دادگاه و تحمیل کمیسیون آن یک بخش از مجموع قوانین ضد کارگری علیه سندیکای ما محسوب می شود . افراد در کمیسیون و تحمیل آن برای اعضاء سندیکا غیر قابل قبول و تحمل است . اعضاء ما از این موضوع به ستوه آمده اند . اما هنوز دادگاه به روی تصمیم خود پا فشاری می کند . این برنامه دولت است همه ما این را می دانیم .

فساد ،

انتصاب رئیس سابق CIA + FBI زمانی انجام می گیرد که به دولت (VS) تحمیل شده نسبت به فساد در شرکت Sears Roebuch and Company رسیدگی کند .

در تبلیغات این شرکت همیشه آمده است که این شرکت در خدمت و مال آمریکائی هاست و جایی است که آمریکائی ها باید از آن استقبال کنند . به وسیله این تبلیغات سال هاست که این شرکت مردم را غارت نموده . طبق تحقیقی که پیرامون بخش تعمیر ماشین این شرکت انجام شده مردم با بی رحمانه ترین حد ممکن غارت شده اند و اقدام به شکایت علیه آن نموده اند ، در حالی که غارت مردم بوسیله این شرکت یک مسئله سیستماتیک می باشد و این هم همان برنامه دولت است .

اما دولت در برابر این شکایات چه می کند !

رهبران شرکت همیشه اعتراف کرده و اذعان داشته اند که مشتریان را گول زده و یا اشتباهاتی شده ولی هیچ وقت روساء و یا مدیران محاکمه نشده اند ولی در حالی که سندیکاهای از جمله de Teanster در دادگاه

تاریخ : ۱۶ - ۱ - ۱۹۹۳

روزنامه : ارگان حزب کمونیست هلند (Manifest)
اسم حزب (NCVN)

چند هفته پیش روزنامه انگلیسی از احزاب خواهر The New Worker خبر چشمگیری را منتشر نموده که می تواند حقوق سندیکاهای را در آمریکا به خطر اندازد . خبر درج شده کنترل سندیکای سراسر رانندگان ماشین های بزرگ (Ltu) de teansters Union بوسیله دو نفر از اعضای سابق سازمان سیا CIA و FBI است که حق کنترل از صندوق سندیکا باید پرداخته شود .

این خبر در دو مقاله آمده که منشاء اصلی انتشار آن روزنامه هفتگی Worker World می باشد .

در تاریخ ۵ آگوست ۱۹۹۲ ، دولت آمریکا از طریق دادگاه آقای ویلیام وبستر William Webster رئیس سابق (CIA) Intelligenc Agenc و (FBI) را جهت رسیدگی به فساد در سندیکای (Ltu) برگزید ، در این دادگاه ، قاضی آقای ادلستین Edelman می باشد . این مسئول ، رئیس سابق CIA + FBI باید سندیکا که یک و نیم میلیون عضو دارد را زیر نظر گرفته و مورد بررسی قرار دهد . این خبر در مطبوعات جمعی انعکاس یافته است .

فرد مذکور تا بنا گوش در خدمت پلیس بوده و جاسوسی داشته . علیرغم اینکه ظاهرا سستی در CIA + FBI ندارد کاملا واضح است جدائی اش طبق سیستم این ارگان های پلیسی غیر ممکن است . با وجود درز پاره ای از اخبار ، مسائل مهم و اصلی سیستم همیشه مخفی باقی خواهد ماند .

برای همگان روشن است که این سازمان جاسوسی پیچیده تر از آن است که ما فکر می کنیم . آقای قاضی از قرارداد Hetconsent Decree که در سال ۱۹۸۹ بین سندیکای Ltu de Teansters و دولت بسته شده سوء استفاده کرده .

آقای ویلیام وبستر را بعنوان فرد «مستقل» برای کمیسیون تحقیق جهت رسیدگی به فساد انتصاب کرده . این کمیسیون شامل ۲ نفر که تحت عنوان «دفاع از سندیکا علیه فساد» کار خود را پیش می برد . اسم سندیکا International Brotherhood of Teanster (IBT) (یا Ltu) می باشد .

مسائل پشت پرده اتهام فساد در سندیکا ،

از ده سال پیش دولت ایالات متحده آمریکا (۷۶) در کار این سندیکا دخالت های زیادی نموده همه دخالت ها تحت عنوان « علیه فساد » می باشند . ناگفته نماند که این سندیکا از بزرگترین سندیکاهای ایالات متحده آمریکاست و در این رابطه مطمئنا یک دشمن بزرگ برای دولت محسوب می شود . این سندیکا در شرایط کنونی خیلی قوی و فعالانه در حرکت های کارگری دیگر شرکت می کند . این سندیکا توانست انتصاب کارگران انتشارات Pihsburgh Aess در ماه ژوئیه ۹۲ حمایت و سیاست مدیران اعتصاب شکن را نقش بر آب کند که منجر به عدم چاپ و توزیع روزنامه ها گردید . مدیران با نقشه خود با چاپ و توزیع روزنامه می خواستند اعتصاب بزرگ را بشکنند . اما با دخالت مثبت سندیکای رانندگان کامیون (de Teansters) IBT برنامه اعتصاب شکنان را خنثی نمودند . این سندیکا نگذاشت مدیران در جهت اعمال اعتصاب شکنانه خود موفق شوند .

مدت هاست که دولت بدنبال شکار این سندیکا بزرگ سراسری بوده . از طریق دادگاه توسط قاضی خود یک کمیسیون مستقل تحقیق برای رسیدگی برهبران سابق که خود از عاملین شناخته شده فسادند ، تشکیل داده که کار آن دخالت در مسائل سندیکا می باشد در حالی که رهبران

است کاملاً واضح است در این شرایط هر کسی نظر خود را با نظر رئیس سابق CIA + FBI هماهنگ نکند تمامی کانال های او مورد پی گیری قرار می گیرد. سندیکای de Teansters ۲۵ درصد سیاهپوست عضو دارد و ۲۵ درصد زنان، و ما به حق آقای Ron Carey را بعنوان مسئول سندیکا به شیوه دمکراتیک برگزیدیم .

سازمان جاسوسی CIA + FBI کاملاً شناخته شده اند و کاملاً دشمن سندیکا ، چگونه می تواند رئیس سابق این ارگان های جاسوسی برای ما یک دوست محسوب شوند و برای کارگران دلسوز.

دولت برنامه کنترل سندیکا ما را دارد و می خواهد در ما نفوذ کند. از طریق ابزار خود کمیسیون در تمامی عرصه های کارما . ما انتخابات دمکراتیک خود را پشت سر نهادیم . چگونه می توان به این کمیسیون حق دخالت در امور مختلف سندیکا را داد. آقای ویستر یکی از اعضاء شورای شرکت های صنعتی - de Raad Van Best mnr Van Anheuser - Busch می باشد. معنای آن این است که او مسئول پیشبرد منافع سرمایه است . او حقی ندارد در نشست های ما و تصمیمات استراتژیکی ما دخالت کند. ما تضاد داریم و خیلی هم اساسی .

در این رابطه ، از نظر مالی برای صندوق ما این موضوع خیلی خرج دارد . در دو سال گذشته دخالت های دولت خیلی خرج برای ما داشته. هر کدام از اعضاء کمیسیون در ازای هر ساعت کار ۲۵۰ دلار می گیرند. دوست و همکار آقای ویستر در قسمت های ۲۹۵ و ۸۵۱ (قسمت حمل و نقل هوایی سندیکا) هر ساعتی ۴۰۰ دلار می گیرند. برای سندیکا جای سوال است ، چرا دبیر سندیکا آقای کاری (Carey) حقوقش در سال کمتر از ۵۰۰۰۰ شده و یا چرا مزایا و بازنشستگی روز به روز کمتر شده و شرایط زندگی غیر قابل تحمل تر . اگر با تحمیل قوانین در امور مالی ما قصد حمله دارید و از این طریق قصد خفه کردن ما باید بدانید که الان روزی رسید که به سراغ اعضاء برویم . آنجا پتانسیل ماست که می توانیم علیه شما شروع کنیم . ما به آنها می گوئیم که شما قصد در کوچک کردن ما دارید.

آزاده . کارگر دوست
۲۱ فوریه ۱۹۹۲
آمستردام

محاكمه می شوند و برای زیر کنترل گرفتن آنها کمیسیونی تشکیل می دهند که اعضای آن از سازمان های جاسوسی CIA + FBI می باشند و آن هم تحت عنوان رسیدگی به فساد .

بیش از یک قرن است که کارگران مورد استثمارند برای حقوق خود مبارزه می کنند ولی ضد سندیکائی ها ، اعتصاب شکنان این جنبش که مدیران و روساء شرکت ها می باشند هیچ وقت محاکمه نگردیده اند. در حالی که کارگران اعتصابی یا کشته و یا با خشونت روبرو شده است و یا محاکمه شده اند.

صاحبان ، مدیران بدون محاکمه ،

بگذار آنها بدون محاکمه به حیات خود ادامه دهند. رژیمی که خود عامل فساد است قطعاً نمی تواند دوستان فاسد خود را جریمه و یا محاکمه کند ولی دستشان باز است برای محاکمه سندیکاهای مثل de Teanster که منافع ضد سرمایه را تعقیب می کند تا نابودی فساد در همه عرصه های زندگی .

وضعیت کنونی و مسائل مطرح شده در سندیکا ،

- آیا سندیکا در مذاکره با کارفرما، آزادی و امنیت دارد؟

- چگونه می توان از آزادی و تساری صحبت کرد وقتی رهبری در دست دولت سرمایه با دستگاه پلیسی می باشد؟

این رابطه با مناسبات وضعیت ما مناسبتی ندارد. ما با عدم آزادی و عدم امنیت مواجه ایم . دولت سرمایه در رابطه با سندیکائی ما دخالت گر است . دولت به رئیس سابق سازمان های جاسوسی CIA + FBI آقای ویستر Webster مسئولیت داده که در تصمیم گیریهای ما که علیه سرمایه دارند شرکت کند. طبیعی است که او در نقطه مقابل اهداف ما قرار دارد. ما مدافع کار و او مدافع سرمایه است .

دولت سعی در کوچک کردن ما دارد

آقای کریس سیلوا Chris Silva مسئول مالی قسمت ۸۰۸ سندیکا در شهر نیویورک اظهار داشته : آنها می گویند ما می خواهیم به فساد رسیدگی کنیم . اگر آقای ویستر را تعیین کرده اند که مشخص کند چه کسی فاسد

حزب کارگرو طبقه کارگران انگلیس

دنباله از صفحه ۱۶

سازمان های سیاسی ای رامیشناسم که مدام از شرایط انقلابی دم می زنند. البته اگر این شعار را برای مدتی تکرار کنی، معلوم است که زمانی به وقوع خواهد پیوست. این به ساعتی می ماند که متوقف شده است، اما اگر مدام به آن نگاه کنی هر ۱۲ ساعت وقت درست را به تو نشان می دهد. اسم این را نمی توان رهبری کردن گذاشت.

مشکرم.

خاسته و قدرت را خود بدست می گیرند. این وظیفه عناصری مثل ما که آگاهی سیاسی داریم است که بدون داشتن تصور غلط و پیش داوری های غیر منطقی، آگاهی و اعتماد به نفس لازم را به آنها منتقل کنیم تا موقعی که شرایط مناسب فرا رسید خودشان قدرت را بدست گیرند و با تغییر نظام اقتصادی - اجتماعی موجود جامعه بشری را به جلو سوق دهند.

بنابراین تعیین زمان برای این قدرت گیری کاری است غیر منطقی. من

کارگران بتوانند چنین رادیکال عمل کنند. بنابراین نمی توان از قبل پیش بینی کرد که تحولات به چه شکلی پیش می روند. طبقه کارگر شکست نخورده است. ولی هنوز به جنگ واقعی و نهایی روی نیاورده است. فکر می کنم تا وقوع این جنگ نهایی راه درازی باقی نمانده است. ولی هرگز نمی توان زمان و مکانی برای آن پیش بینی کرد. اعتماد من به توده های کارگر زن و مردی است که در کشورهای مختلف تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارند. آنها روزی بپا

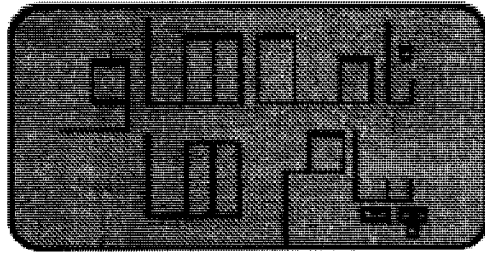
است دموکراتیک که در برگیرنده طیفهای از طبقات گوناگون جامعه و با نظرات و دیدگاههای متفاوت است که بعضی ها آنرا با يك فعالیت حزبی و سازمانی اشتباه می گیرند. برایت آرزوی موفقیت کامل داریم .

* شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه : از ارسال نامه تان سپاسگزاریم ، ما در هر ۹ مورد که در نامه اشاره داشتید به UN آنکارا فاکس زده و اعتراض خود را به سیاستهای UN اعلام داشتیم و نامه شما را برای دیگر جریانات پناهندگی ارسال کردیم .

* حسنعلی عزیز ترکیه : نامه شما و چند تن از دوستانتان رسید که جواب آنرا جداگانه ارسال داشتیم .

* (م) عزیز از ترکیه : در مورد سؤال شما لازم است یادآور شویم که طی دو سال گذشته با توجه به پناهجو شدن تعداد زیادی از کارگران و استقرار آنان در ترکیه ، انجمن کارگران تبعیدی حداقل در مورد ۱۰۰ نفر پناهنده در ترکیه در حد توان اقداماتی از قبیل ارسال نامه های حمایتی به UN آنکارا و تایید کارگران ، ارسال نامه های حمایتی اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف در جهت تایید کارگران فعال در صنایع و کارخانجات به UN آنکارا، ارسال نامه هائی به UN در ژنو برای حمایت از پناهندگان در ترکیه ، اعتراض به وضعیت پناهندگان در ترکیه و برگزاری چندین آکسیون اعتراضی همراه با سایر گروههای سیاسی ، اقداماتی در مورد جلوگیری از دیپورت افراد، تماس مستقیم با مسئولین UN و بازگو کردن مسائل و مشکلات پناهندگان در ترکیه و در حد توان جمع آوری کمکهای مالی داشته است . برایت آرزوی موفقیت داریم .

هیئت هماهنگی انجمن



نامه ها و پیام ها

* رفیق عزیز (م) از سوئیس: تشکرما را بخاطر ارسال نامه و ترجمه مطالب بپذیرید، برایتان آرزوی موفقیت داریم.

* (الف) عزیز هلند: مطلب و سه نامه ارسالی شما رسید که آنها را در اختیار سایرین قرار دادیم ، منتظر مطالب دیگر از جانب شما هستیم .

* رفقا (د- و) کانادا: نامه شما همراه با پیشنهاداتتان را در زمینه فعالیت دریافت داشتیم .

* رفقای سوئد : چهار نامه از طرف شما رسیده که حاوی مطالب و نظراتی در جهت پیشبرد اهداف انجمن بودند که قطعاً مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

* رفیق (ك) هلند: ۵ نامه و مطالب دیگر شما که حاوی فعالیت مستمر شماست را دریافت داشته ، برای يك يك شما آرزوی موفقیت داریم .

* رفقای عزیز مقیم ترکیه : نامه های پیاپی شما را دریافت داشته و مواردی را که خواسته بودید عمل کردیم . * (س) عزیز آلمان: ضمن سپاس از تلاش شما امیدواریم همواره در جهت پیشبرد اهداف طبقه کارگر موفق باشید.

* رفقای عزیز مقیم دوسلدرف : با کمال تأسف موفق به اجرای برنامه پیشنهادی نشدیم ، لطف کنید با آدرس انگلستان با ما تماس بگیرید.

* مرتضی عزیز کانادا : با تشکر از ارسال نامه ات ، جواب آنرا ارسال داشتیم .

* رفقای عزیز مقیم نروژ: هر دو نامه شما را دریافت داشته و آدرستان را برای ارسال نشریه به رفقای سوئد دادیم .

* رفقای کمیته پناهندگان آنکارا و شهرستانها : نامه های شما را بطور مرتب دریافت داشته و نشریه خبریتان نیز رسید. به مسائلی که مطرح کرده اید عمل کرده و کپی نامه ها را برایتان ارسال داشتیم .

* رفیق (سلام) عزیز: نامه مفصل شما که درد مشترک اکثریت ما بود را دریافت داشتیم و آنرا در اختیار سایر رفقا قرار دادیم .

* (الف - ج) ترکیه : نامه ات را دریافت داشته و اقدامات لازم را که خواسته بودید انجام دادیم .

* (الف- الف) کانادا: با تشکر از ارسال نامه ات ، از تلاشی که در مورد حمایت از پناهندگان و تکورو اعتصاب غذای آنجا داشته اید با خبر شدیم . ما هم بسیار خوشحال هستیم که رفیق فعالی چون شما را در جمع خود داریم همچنین منتظر مقاله تایپ شده و بیوگرافی فرد مورد نظر شما برای ارسال فاکس حمایتی هستیم برایت آرزوی موفقیت داریم .

* (الف) عزیز، اتریش : سه نامه و مبلغ ارسالی شما را دریافت داشتیم . امیدواریم در برنامه هایت موفق باشی .

* رفقای عزیز مقیم دانمارک : نامه هایتان را دریافت داشتیم .

* رفیق (ر) سوئیس : دو نامه از شما دریافت داشتیم .

* (الف - پ) هلند: چهارنامه و مبلغ ارسالی شما جهت نشریه را دریافت داشتیم .

* رفقای مقیم استرالیا : منتظر نامه شما هستیم .

* رفیق عزیز (الف-ف): چهار نامه از طرف شما رسید.

* (الف- ر) هلند: سه نامه از طرف شما را دریافت داشتیم .

* جمشید عزیز، ترکیه : نامه و مطلب شما را دریافت داشتیم . تنها موضوعی که بنظرمان می توان در رابطه با مطلب شما بیان داشت این است که

اصولاً ما فعالین چپ تاکنون هیچگونه خط و مرز روشنی بین فعالیتهای دموکراتیک و فعالیتهای حزبی قائل نبوده و هنوز که هنوز است خود را از این تقیصه رها نکرده ایم . بنظر ما فعالیت در مورد پناهندگی و پناهجویان کاری



همچنان سندیکای سراسری از کارخانه ها بیرون انداخته می شود

روزنامه Het Parool، تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۲
مقاله Steeds meer bed ven schalcelen bonden mit
نویسنده: مارک لان (Marc laan)=

همچنان سندیکای سراسری از کارخانه ها بیرون انداخته میشود

در آمریکا، سندیکاهایی که کار خود را به یک کارخانه محدود کرده با این هدف که دست سندیکاهای سراسری (سنتی) را از شرکت در مبارزه کارگران علیه سرمایه کوتاه کنند، به سندیکاهای زرد (Yellow Mnions) معروفند. این سندیکاهای غالباً توسط صاحبان کارخانه بنا نهاده شده اند. در هلند تعداد سندیکاهای زرد کم است، اگر هم وجود داشته باشند، غالباً توسط پرسنل بنا نهاده شده و نقش آکترناتیو در برابر سندیکای سراسری (سنتی) برای مبارزه کارگران را دارد مانند شورای (Ondernemingsraad) طبق قانون اساسی هلند، این ارگان در شرکت هائی که بیش از صد نفر کارگر دارند تشکیل می شود.

در هلند، خانم آنیا هوفمنس (Anja Hofmans) که بعنوان وکیل در کانون وکلای هلندی در آمستردام (Het Ansterdanse bureau Schuten an brosheide) مشغول کاراست تحقیقی را پیرامون شرایط کار و چگونگی تصمیم گیری در رابطه با آن انجام داده است. او نتایج تحقیق خود را در کنگره ای پیرامون شرایط سندیکاهای کارگری در هلند با عنوان «مشاورین دوم کارگران» که در شهر لاهه (Den Haag) برگزار گردید علنی نمود. در هر شرکتی قانون کار (شروط کار) نام خاصی دارد، یکی راهنمای پرسنل (Personeelsgids) و دیگری راهنمای اجتماع یا کتابچه سبز (Het groen boekse) یا (Seeiale gids) خوانده می شود. هر دو در یک چیز مشترکند، آنهم غیر واقعی بودن آنهاست. چون این قوانین بدون شرکت و یا دخالت کارگران و سندیکایشان به تصویب رسیده اند.

در ده سال گذشته، این قوانین به ۳۵ درصد افزایش یافته است. بخش زیادی از شرکت ها بدون مشورت با سندیکا و رقیب آنها یعنی (Ondernemingsraads) اقدام به تصویب این قوانین کار نموده اند. این شرکت ها به خانه خصوصی تبدیل شده و دربهای خود را به روی همه ارگان های کارگری بسته اند. بعنوان نمونه، راهنمای پرسنل تنها توسط رئیس شرکت به تصویب رسیده و فقط در ۵ درصد از شرکت های مورد تحقیق، شورای شرکت (Ondernemingsraad) در تصویب این قوانین دخالت داشته اند.

قوانین غیر واقعی یا یکطرفه (Pseudo-regelingen)

خانم آنیا هوفمنس پس از مطالعه راهنمای پرسنل Personeelsgids به این نتیجه رسید که بخش زیادی از این قوانین از نظر حقوقی جعل و یا فاقد صراحت کافی می باشند در حالی که ۴۰ درصد شروط کار را در خود جا دارد و تنها در ۲۱ درصد از قوانین کار سندیکاهای سنتی (این سندیکاهای ارگان های کارگرانند و غالباً توسط مبارزه به مذاکره می پردازند) دخالت دارد و ۲۳ درصد از شروط کار در قوانین دیگری در کارخانه به تصویب می رسند، ۶ درصد شروط کار توسط شورای

شرکت یا رقیب سندیکای سنتی Ondernemingsraad به تصویب می رسند.

بنابراین، در این شرکت ها «مشاورین دوم کارگران» هم کنار کارگران و سندیکاهایشان وجود دارند که راهنمای پرسنل جمله حاصل کار آنها می باشد.

قوانین نامبرده موضوعات درهم برهمی دارند که دویخش در برمیگیرد. در زمینه رفاهی از جمله ماشین برای شرکت تلفن و سوسیدی برای شیرخوارگاه و در یک قسمت بزرگ دیگر شامل حقوق غیر رفاهی، از جمله حقوق پایه ای تولید، مذاکره، زمان کار. برای تنظیم این قوانین گاهی نیاز به یک نفر شورای شرکت Ondernemingsraad است در جای دیگر نیاز نیست. در این قوانین در مورد کارگران شیفت صحبتی در میان نیست و حقوقی برای آنها قائل نشده.

خانم آنیا هوفمنس، بعنوان حقوق دان در برابر این شرایط یک راه حل را توصیه می کند، «در برابر رؤسای کارخانه شورای شرکت (Ondernemingsraad) در مذاکره برای شروع کاری که سندیکاهای سنتی حق دخالت ندارند به رسمیت بشناسند.»

او اظهار می دارد، این موضوع احتیاج به تغییر قوانین دارد. او فکر می کند سیاست برای این تغییر پخته نیست همچنین کاملاً روشن است که این موضوع به نفع سندیکاهای سراسری نیست، چون با تصویب شورای شرکت Ondernemingsraad سندیکاهای سراسری ضعیف خواهند شد. شرایط آنان در کارخانه مشکل تر می شوند و نقش آنها برای مذاکره ضعیف تر. چون دیگر صحبتی از اعضای آنها در کارخانه نخواهد بود.

آمریکائی، آقای میشل وستراکن (Michiel Westerlaken) رئیس شرکت چند ملیتی (Dow) آمریکائی را در هلند رهبری می کند. این شرکت بیش از ده سال است که بدون سندیکا می باشد. این شرکت یک شرکت شیمیائی می باشد.

در سال ۱۹۷۹ سندیکای FNV (بیش از یک میلیون عضو دارد و سندیکای کارگران صنعت می باشد) سعی نمود برای کارکنانی که شیفت دارند، زمان کار را ۳۳ ساعت در هفته درخواست کند. بنابراین این سندیکا تقاضای ۲ درصد اضافی حقوق نمود. در مذاکره برای ۲ درصد افزایش حقوق موفق نشد. در حالی که آنها در مذاکره بودند رئیس یک نامه را به سالن غذاخوری نصب کرد، «آنها ۲ درصد می خواهند، ما ۳ درصد می دهیم». در این رابطه سندیکاهائی که حرفه ای ترین مذاکره گر را به مذاکره فرستاده بودند بدون مقاومت در این زمینه برگشتند.

۱۳ سال بعد آقای میشل وستراکن می تواند اعلام کند که سندیکاهای هنوز هم بیرون از بازی ما قرار دارند. فلسفه شرکت Dow این است که در زمینه افزایش حقوق، ما ۱۲ شرکت را داریم به قوانین سراسری نیازی نیست و جای سندیکاهای را هم شورای شرکت Ondernemingsraad پر می کند. ولی ما ضد سندیکا نیستیم اما ما سیستم جدید را پربارتر برای تولید می دانیم. ما لزومی نداریم که خود را در قوانین سراسری بیچانیم که همیشه از بالا تنظیم می شود. او معتقد است سندیکاهای سراسری دیگر کهنه شده و مناسبتی با زمان کنونی ندارد. در

بدون صندوق اعتصاب :

آقای ولت میر (Woltmoijre) متخصص شورای شرکت در سندیکای CNV (سندیکای مسیحی) معتقد است با حکم شناختن حق شورای شرکت در مذاکره برای حقوق کارکنان با وجود عدم دخالت سندیکاهای سراسری ، اوضاع برای کارگران بهتر نخواهد شد. قوانین کار تصویب شده در مذاکره تضمین اجرایی ندارند. چون شورای شرکت با اعتصاب ضدیت دارد و در مسائل سیاسی - اقتصادی مهارتی ندارند و صاحبان تمایل دارند بیشتر با غیر سندیکائی ها به مسائل خود بپردازند. چون يك سندیکای سراسری ، اعتصاب را برسمیت می شناسد، منافع کارگران را در جامعه در نظر دارد و معتقد به اتحاد و همبستگی آنهاست.

آقای پی ترمی پیر Peter Meijer ، سخنگوی شرکت امریکائی کامپیوتر (IBM) در آمستردام چیز دیگری فکر می کند . IBM در هلند، از سال پیش در مذاکره با شورای شرکت توانست قوانین خوبی را تصویب کند بدون دخالت سندیکاهای سراسری اما تجربه شخصی ما در مذاکره این است که مشکلات در داخل باقی می ماند . قوانین و مقررات داخلی باقی می ماند، کاملاً جدا از سایر کارخانجات دیگر، ما حق درج آنها را به بیرون نداریم در حالی که سندیکا بر روی افکار عمومی حساب می کند. توجه خود را به آن اختصاص می دهد.

او به ضعف های دیگر اشاره می کند که برنامه شورای شرکت ثابت و همیشگی می باشد و همیشه داخلی ، اما سندیکاهای يك بار راجع به قوانین سراسری و سال بعد راجع به موضوع دیگر وارد مذاکره می شود. شورا باید صاحبان را زیر نظر بگیرد. بعضی مواقع خود از صاحبان بدترند.

در شورای شرکت IBM ۲۳ نفرند که دو نفر از آنها عضو سندیکا می باشند. برای سندیکاهای سراسری خیلی مشکل است که در این شرکت ها نفوذ کنند.

IBM اسمی نموده خود را در میان تمامی شرکت های تولید ماشین بهترین جلوه دهد و یا شرکت ژاپنی فوجی Fuji در شهر Tilburg. این شرکت هم کار خود را بر فرهنگ IBM پایه گذاری کرده ، او هم در رابطه با شرکت های امریکائی مذاکره خود را فقط با شورای شرکت Ondernemingsraad انجام می دهد.

آقای رولف ریکمان (Rolf Rykman) ، رئیس پرسنل و سازمان ، شرکت امریکائی کامپیوتر Hewlett Packard در شهر آمستل فن (Amstelveen) اقرار کرده که او يك مشکل با شورای شرکت خود دارد . کارکنانی که بیمه درمانی هستند، باید تحت پوشش قوانین کلکتیو شرکت های کامپیوتر قرار گیرند. شورای شرکت در این رابطه مشکل دارد. اما طبق سیستم رقابت این موضوع امکان پذیر نیست . اضافه دستمزد در صورت کار زیاد تا ۱۵ درصد افزوده می شود. اما کسانی که بیمه درمانی آنها زیر پوشش قانون کلکتیو نیست این افزایش ۵ درصد می باشد. این قانون بوسیله سندیکاهای تصویب شده . باید اضافه کرد که HP از شرکت هانیست که به کارکنان خوب دستمزد می پردازد. توقعات پرسنل يك بار در سال بوسیله آمار و بررسی با شورای شرکت مشورت می شود و در این وضعیت اعضا سندیکاهای جانی ندارند فقط ۲ درصد از پرسنل شرکت HP عضو سندیکاهای می باشند.

شرکت Dow کارگران بطور فردی قضاوت می شوند و همیشه در حال رقابتند، بعضی از آنها بنا به قدرت خود از حقوق بیشتری بهره مندند. این چنین شرکت ها خیلی مشکل با سندیکاهای سراسری متحد می شوند. در نتیجه مخالف با تقویت موقعیت کارگران در برابر سیستم شکارگر هستند.

هر ۵ سال يك بار تحقیقی از کارگران در این کارخانه ها انجام می گیرد . يك گروه Taskfore که در آن يك عضو شورای شرکت Ondernemingsraad قرار دارد خواسته های پرسنل در مذاکره برای تصویب شروط کار پیشنهاد می کند. بنا به گفته آقای وستر لاکن «کار جالبتر می شود وقتی با مرام خود حرف بزنی».

آقای گیس سانتبرگن (Santbergen) یکی از متخصصین سندیکای (FNV) ، سندیکاهای سراسری خواهان برابری و اتحاد همه کارگرانند، این شیوه برخورد Dow به مسائل کارگری این امکان را می دهد که همه برای موفقیت خود تلاش کنند. این شیوه رقابت را بین کارگران دامن می زند. این روش ، شیوه کار مشتریان در رستوران است که صورت غذا را می گیرد و هر کسی نوع غذای خود را سفارش می دهد. ما معتقد به مبارزه سراسری کارگر می باشیم .

آقای گیس سانتبرگن معتقد است که شرکت های امریکائی با ورود خود به شرکت های دیگر موضع ضد سندیکائی در اروپا تحمیل می کنند.

در شرکت ها تولید ماشین (دستگاه های الکتریکی و کامپیوتر) ، ابتدا بعلت وضعیت خوب شرکت ها کسی قادر نبود که عضو سندیکاهای شود. اما اکنون این شرکت ها بعلت وضع وخیم خود کارگران بیشتر تمایل به عضو شدن در سندیکاهای دارند.

در این رابطه ضروریست که در سال آینده کنگره ای پیرامون چگونگی برخورد به شورای شرکت Ondernemingsraad برگزار نمود و سیاست خود را در برابر این رقیب خود روشن سازیم .

آقای سانتبرگن : قانون اساسی مذاکره شورای شرکت ها Ondernemingsraad را پیرامون مسائل حقوقی کارگران ممنوع کرده اما ما شاهدیم که در این زمینه دخالت دارد. ما اگر به این مسئله نخواهیم رسیدگی کنیم ، سنت چندین ساله خود را به آب دریا می اندازیم .

سال پیش دادگاه در شهر دن هاخ (Den Haag) مسیر شورای شرکت و صاحبان کار را در رابطه با حق مذاکره پیرامون حقوق کارگران بدون دخالت سندیکاهای سراسری روشن کرد.

در ماه آپریل ، شورای شرکت پیرامون حقوق کارکنان شرکت کامپیوتر (Grabows & Poort) در مذاکره شرکت نمود در رابطه با دستمزد پرسنل این شرکت ۵۰۰ نفر می باشند، برای مقابله با این وضع سندیکای سراسری FNV و CNV يك شکایتی را در دادگاه علیه شورای شرکت انجام دادند. مذاکره پیرامون دستمزد از حقوق سندیکاهای می باشد نه شورای شرکت ، ولی آنها در این رابطه بازنده شدند چون به اعتقاد رئیس دادگاه آقای p.Kal b Fleisch این حق را سندیکاهای برای خود به رسمیت شناخته اند. جانی گفته نشد که حق شوراها در این رابطه ممنوع است. طبق ماده ۲۳ از قانون (WOR) (قانون شورای کارخانه) ، کارفرماها یا صاحبان کارخانه یا شرکت می تواند این حق را برای شورا بیشتر بشناسند در صورتی که شورا خود آن را بخواهد.

آزاده - کارگر دوست

هلند ۲۲ ژانویه ۱۹۹۳

برامون جمع بندی مقاله "آزاده کارگردوست"

(موارد قابل توجه در رابطه با مضمون مقاله)

- جمع بندی : شرکت های آمریکائی سنتا هرگونه تشکلی را نفی می کنند.
- ۱- اگر کارخانه ای بحران نداشته باشد، کارگران کمتر احتیاج به عضویت در سندیکا پیدا می کنند.
- ۲- وقتی شرکت ها با بحران مواجه می شوند کارگران بیشتر از سندیکاها استقبال می کنند.
- جمع بندی : وضعیت کارخانه ها رابطه مستقیم به گرایش کارگران بطرف سندیکاها دارد.
- ۱- تقویت شورای شرکت در برابر سندیکاهای سراسری از طرف دولت
- ۲- تضعیف کردن نقش سندیکاهای سراسری در این رابطه
- جمع بندی : شورای شرکت ، قسمتی از دستگاه ماشین دولتی در برابر کارگران است .
- تقویت رقابت در شرکت ها بوسیله کارگران برای دستمزد بیشتر دامن زدن به تشکل درون شرکت بدون رابطه با دیگر کارگران.
- جمع بندی : مبارزه علیه رمز اتحاد سراسری بعنوان کشف مبارزه کارگر در زندگی روزمره .
- در پایان جای ما بعنوان نیروهای پشت جبهه طبقه کارگر در این روابط و درس آموزی از این شرایط برای کارگران خود، که این موضوع مسئله ماست .

نظرات نویسنده مقاله :

- ۱- شورای شرکت (Ondernemingsraad)، سندیکای زرد در هلند محسوب می شود. (ضد کارگر)
 - ۲- سندیکاهای سراسری (FNV+CNV) سنتی که متکی به خود کارگران می باشد ، اعتصاب را به رسمیت می شناسد.
- جمع بندی : هر دو با هم رقیبند

- ۱- شرکت های آمریکائی دلاری فرهنگی ضد تشکل و سندیکا می باشند.
- ۲- شرکت های اروپائی ، سنتا برای تشکل های کارگری (زرد، سرخ) حق مذاکره قائل هستند.

دلان غصه دار شماست

رفقای خوب :

گردانندگان عزیز و ارجمند نشریه کارگر تبعیدی!

گرانی و تورم ، فشار و اختناق ، بیکاری و بی خانمانی ، جدایی و بیماری ، مرگ و میر و جنون در اینجا بیداد می کند و هر روز حلقه اینها تنگتر و تنگتر می شود. هر جا صدای حق طلبی بلند می شود، آشکار و پنهان ، همصدائی بوجود می آید. اما فقط جای شما خالی است که با برنامه ریزی و سازماندهی، صدای برحق کارگران را بگوش جهانیان برسانید و در ادامه و استمرار مبارزه یاریمان کنید. حتما رفقای که با شما ارتباط تنگاتنگ دارند، در گزارشاتشان بطور مرتب باین نکته اشاره می کنند، اگر يك بار دیگر من یادآوری می کنم ، پوزش می طلبم. وقتی جریانی یا برخوردی باعث اعتراض کارگران قرار میگیرد، براساس منافع مشترك کارگران در کنار یکدیگر قرار میگیرند البته بگذریم از عده ای که همیشه نان را به نرخ روز می خورند - و کارفرما یا مدیر موسسات دولتی و یا کارخانجات مصادره شده را چنان زیر فشار قرار میدهند، که در آن لحظه تسلیم هر خواسته ای می شود، ولی دیری نمی پاید که آرام آرام تشکل اولیه از بین می رود و ما کارگران دوباره روز از نو،

روزی از نو به کار خود ادامه میدهم. پس از گذشت چندین بار از این اتفاقات ، در جاهای گوناگون ، چند تقری سعی کردیم شاید با بررسی بتوانیم علتها را پیدا کنیم ، با صحبت های زیاد و با مراجعات مکرر به افراد ذیربط فهمیدیم که نداشتن يك تشکل کارگری خود معضل بزرگی است . اما ضمن داشتن این مسئله به نکات دیگری هم رسیدیم که یکی هم همین مشکلاتی است که شما در آنجا دارید و جسته و گریخته خبرش نیز باینجا منتقل می شود و دلان را غصه دار می کند. آیا هنوز هم آنجا اتحاد شکل نگرفته ؟ ! آیا باز هم اختلاف نظر ها و سلیقه ها نسبت به اصل قضیه در اولویت قرار دارد؟ ! کی می شود که هماهنگی و نظم و رفاقت شما تاثیر خود را در اینجا بگذارد و ما هم که در اینجا روزگاران را سپری می سازیم و روزنه ای برای اعمال فشار پیدا می کنیم ، منسجم و هماهنگ بتوانیم هر روز بیشتر و بیشتر بگردانیم و با یورش همگانی و عمومی و رهنمود شما، عرصه را بر رژیم و حامیان آنها تنگ کنیم .

بامید انسجام بیشتر شما و رهنمودهای کارساز شما وعقب نشینی رژیم !

مرتضی یزدان پناه - سلماس

کارشناسان سازمان بین المللی کار:

"در ایران هیچگونه اتحادیه مستقل کارگری وجود ندارد"

دفتر سازمان بین المللی کار گزارش سال ۹۲ خود را منتشر کرد. در این گزارش، کشورهایی از جمله ایران بدلیل نقض حقوق کارگران محکوم شده اند. در بخشی هایی از این گزارش در مورد ایران آمده است که:

"در حال حاضر اعتراضات و اعتصابات کارگران در ایران با سرکوب شدید مقامات جمهوری اسلامی روبرو می شود، و این سرکوب ها ضمن دستگیری و زندان کردن و ضرب و جرح کارگران، در مقاطعی منجر به مرگ کارگران نیز شده است."

"در سال ۹۱ اعتصابات کارگران نفت با ایجاد رعب و وحشت و سرکوب و دستگیری کارگران روبرو بوده است."

"در ایران هیچگونه اتحادیه مستقل کارگری وجود ندارد و تشکلات موجود نیز تنها در انحصار و تحت انقیاد دولت ایران بوده و کلیه فعالیت های شوراها در جهت حفظ منافع جمهوری اسلامی است."

اعلامیه تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر سازمان بین المللی کار (لندن)

قلمداد می شود. رژیم همچنان شوراها را فرمایشی اسلامی را به جای شوراها واقعی کارگران نشانده است و با فرستادن نمایندگانی از این شوراها خود را در سازمان بین المللی کار جای داده است.

ما جهت اعتراض به سرکوب طبقه کارگر ایران و سلب ابتدائی ترین حقوق آنان توسط رژیم جمهوری اسلامی، این تظاهرات را در مقابل دفتر سازمان بین المللی کار در لندن ترتیب داده ایم و از این سازمان می خواهیم تا با فرستادن گروهی از نمایندگان کارگران بریتانیا، جهت تحقیق و بررسی از وضعیت کارگران ایران، مشاهدات خود را به گوش افکار عمومی در خارج از ایران برساند.

ما همچنین خواستار ارسال نمایندگانی از طرف این سازمان به تظاهرات، جهت اعلام همبستگی با این حرکت و درخواست های خود، می باشیم.

۲۶ فوریه ۱۹۹۳

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی
کمیته ضد اختناق در ایران (کاری)
کمیته همبستگی با کارگران ایران
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران (ایپاک)

اعلامیه تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر سازمان بین المللی کار (لندن)

سازمان های مستقل کارگری و بویژه شوراها کارخانه که توسط طبقه کارگر ایران در آستانه انقلاب بهمن ۵۷ تشکیل شده بود، با به قدرت رسیدن ملاها در ایران مورد یورش وحشیانه قرار گرفت.

سرکوب پی در پی کارگران و زحمتکشان توسط رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. تعقیب و بازداشت، زندان، شکنجه و اعدام هزاران هزار کارگر مبارز، همواره در دستور کار رژیم قرار دارد. ابعاد جاسوسی رژیم از طریق انجمن های اسلامی در گوشه و کنار کارخانه های ایران گسترده تر شده است. زنان کارگر مورد وحشیانه ترین اجحافات در محیط کار قرار می گیرند. هرگونه رفتار غیر اخلاقی و عدم رعایت حجاب اسلامی با اخراج و یا بازداشت آنان روبرو می شود. رژیم در صدد آن است که با تصویب لایحه جدیدی زنان کارگر را از کلیه مزایای فرزند چهارم، محروم کند.

قانون کار رژیم جمهوری اسلامی که سلب ابتدائی ترین حقوق صنفی و دموکراتیک کارگران، از قبیل تشکیل نهادهای کارگری مستقل و حق اعتصاب، را در سر لوحه خود قرار داده است، به عنوان مبنای روابط کارگران و کارفرمایان در ایران



بخشی از يك نامه رسیده از ایران

واقعا نمیدانم از کجا شروع کنم و از کدام مشکل و درد برایتان بنویسم .

در اینجا ، زندگی جز رنج و مشقت، جز جنگ اعصاب و درگیری همه روزه بخاطر همه چیز ، هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد.

از صبح که بلند می شوی بایستی شیشه بدست دنبال يك شیشه شیر پاستوریزه برای بچه باشی، در صف نانوائی که اخیرا قیمت نان را هم بالا برده اند حداقل يك ساعت بایستی در نوبت باشی یا ساعت ۳ صبح برای خرید نان بیانی که بتوانی ۵ صبح شیشه شیر یا حیانا قالب کره ای بقیمت خون پدرشان بخری. بعد فورا باید در انتظار آمدن اتوبوس برای رفتن بسر کار بایستی ، یکساعت و نیم رفتن و یکساعت و نیم برگشت به خانه بحساب حضرت عباس و باج ریش نداشته رئیس جمهور است که تازه اگر ۵ دقیقه دیرتر باتوبوس برسی مجبوری ۱۵۰ تومان کرایه بدهی تا بروی سرکار و اول جنگ اعصاب و درگیری با مسئولین و مرئوسین از یکطرف ، و دروغ و ریای کسانی را تحمل کنی که تا دیروز با ریش و پشم جاسوس و خبرچین و عضو علنی انجمن و شورای اسلامی بودند و حالا بحساب خودشان مخالف شده اند. اینها نمی دانند که همگی ما بخوبی آگاهیم که این چند نفر با ساواما کار می کنندو فعلا حقوق بگیر آنها نیز هستند. چندی پیش در اینجا اعتراضی داشتیم که همین چند نفر آنچنان

تلاشی بکار می بردند تا کارگران را از اینکار باز دارند ولی باز هم می گویند مخالفند، البته درست می گویند، مخالف ما کارگران هستند. . .

امسال ، عیدی و پاداش آخر سال را اکثرا بدهکار بودند، نمیدانی خرج تحصیل بچه ها کمرشکن شده ، لباس و کفش و لوازم التحریر و کتاب و شهریه پدرمان را درآورده وای بحال کسی که بچه اش بخواهد برود دانشگاه ، از مدارس خصوصی و دانشگاه آزاد که نمی شود حرفی زد، واقعا آزاد، آزادند در تعیین شهریه که البته جای بچه های از ما بهتران است و ما جرات نگاه کردن به آنطرف را نداریم . . .

قیمت مواد غذایی و پوشاک بخصوص پس از سروصدا کردن رئیس بانک مرکزی در مورد نرخ ارز ، بطور سرسام آوری رو بافزایش است و واقعا مانده ایم که با این وضع چه کنیم .

یکنفر که از خارج به اینجا آمده بود، از او از وضع و روزگار آنجا سئوالاتی کردم و خلاصه نظرش را در مورد وضع اینجا پرسیدم باوگفتم این چند روزه که آمده ای وضع را چگونه می بینی، گفت بابا اینقدر هم که می گویند وضع بد نیست ، همه چیز فراوان و براحتی بدست می آید، واقعا میگویم، آنچنان خشمی بهم دست داد که نزدیک بود بزخم توی گوشش، اما نتوانستم جلو دهانم را بگیرم، گفتم مرد حسابی ، تو دلار ۱۶۸ تومان را آورده ای اینجا و خرج می کنی، معلوم است که براحتی می توانی

زندگی کنی، اگر مردی اینجا یکسال کار کن و پول آن را تماما بردار ببر خان ببین می توانی طی یکماه با این پول زندگی کنی، تو این حساب را نمی کنی که دستمزد دو روز من قیمت يك كيلو گوشت نمی شود، ولی دستمزد یکساعت در خارج قیمت سه كيلو گوشت عالی و چربی است ، تو بقول خودت يك پنج مزدت را بابت کرایه منزل و گاز و بر میدهی من بدبخت با ۳۰۰ هزار تومان که جلو به صاحب خانه داده ام بیش از نصف حقوقم فقط برای کرایه منزل میدم و . . . راستی اینها کی هستند، شما نتوانسته اید واقعیت را به اینها بگویند اینها ناخواسته و شاید هم خواسته مبلغ این رژیم هستند!..

چندی پیش بچه ها جمع شدند و خبرهای بی-بی-سی را تعریف میکردند و از هر دری سخنی گفته میشد . . در هر صورت از اینکه گهگاهی یاد از ما میکنید و حرفی از ما می زنید خوشحالم ولی حتما خودتان می دانید مشکلات بیش از اینهاست و فشار زندگی بر ما بی نهایت است . . . بالاخر بشکلی باید دلمان را خوش کنیم ، چشمان به تجدید طرح طبقه بندی است که قرار است خرداد اعلام شود، تا بر عید بود که عیدی و پاداش مالید ، طرح و فردا يك چیز دیگه . . . بدبختی اینجاست که يك فکر اساسی نم کنیم که از این زندگی نکبت بار نجات پیدا کنیم . همه همکاران را سلام برسانید.

نامه اعتراضی کریستین لوئیز مسئول کمیته ملی زنان اتحادیه نالگو به سفیر جمهوری اسلامی.

جناب آقای سفیر

از طرف کمیته ملی زنان اتحادیه نالگو، اتحادیه ای با بیش از ۴۰۰ هزار کارگر زن، از دولت شما تقاضا داریم از محروم کردن زنان کارگری که بیش از سه فرزند بدنیا آورده اند، از مزایای مقرر در قانون کار همچون مرخصی دوران بارداری، حق اولاد و مهد کودک، خودداری کنید.

علی رغم خواست خود مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی شما، وظیفه خود می دانیم که از طرف خواهران ایرانی خود تلاش کنیم از هر گونه توییح آنان به عنوان کارگر و بخاطر مادر بودن، جلوگیری کنیم.

با تشکر

کریستین لوئیز
مسئول کمیته ملی زنان نالگو

دعوت به همکاری

با تلاش بی وقفه فعالین جنبش کارگری در خارج از کشور و انعکاس مسائل و مشکلات کارگران ایران، کارشناسان سازمان بین المللی کار در گزارش سال ۹۳ خود، سرکوب شدید کارگران و ایجاد جو خفقان بر جامعه کارگری توسط رژیم جمهوری اسلامی و عدم وجود تشکلات مستقل کارگری در ایران را مورد تأیید قرار دادند.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ضمن سپاس از فعالینی که تا کنون در این زمینه تلاش نموده اند، از تمامی احزاب، سازمان ها، گروه ها و شخصیت هائی که خود را متعلق به جنبش کارگری می دانند، صمیمانه می خواهد که بجای حرکت های جدا از هم تاکنونی، برای افشای هر چه بیشتر ماهیت ضد کارگری حکومت اسلامی ایران، بخاطر سرکوب شدید و عدم بی حقوقی مطلق کارگران، دست به یک حرکت مشترک همه جانبه در سطح خارج از کشور بزنند و با کارزاری وسیع در این زمینه صدای اعتراضات و اعتصابات کارگران ایران را بگوش سایر کارگران جهان رسانده و حمایت بین المللی کارگران را در زمینه، ایجاد تشکل های مستقل کارگری، حق اعتصاب و حقوق بیکاری، بدست آورده و برای اخراج نمایندگان کارگری رژیم از سازمان بین المللی کار تلاش مشترکی را به پیش برند.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر به سهم خود آماده همکاری کامل با فعالین جنبش کارگری در خارج از کشور بوده و دست تمامی نیرو هائی که هدفشان فعالیت در این زمینه است، را می فشارد.

هر چه مستحکم تر باد صفوف مبارزین واقعی طبقه کارگر

هیئت هماهنگی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

مه ۱۹۹۳

پیام همبستگی با کارگران آفریقای جنوبی

در يك رشته از ترورهای سیاسی می باشد. در سال گذشته هزاران نفر از مردم مبارز آفریقای جنوبی بوسیله رژیم نژاد پرست و سرمایه داری آفریقای جنوبی که توسط سرمایه های بزرگ و قدرت های امپریالیستی حمایت می شود، کشتار گردیده اند. بدیهی است که این ترورها و کشتارها باعث تضعیف هرچه بیشتر رژیم آپارتاید و تقویت کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی خواهد شد.

هیئت هماهنگی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

۱۵ ماه مه ۱۹۹۳ لندن - احمد

بار دیگر رژیم تبعیض نژادی آفریقای جنوبی جنایتی دیگر آفرید و کریس هانی یکی از رهبران شناخته شده و مبارز کنگره اتحادیه های کارگری صنفی آفریقای جنوبی (COSATU) را ترور نمود.

انجمن کارگران پناهنده و تبعیدی ایرانی، برای همبستگی با کارگران آفریقای جنوبی و ابراز تنفر از رژیم جنایتکار آن، طی پیام تسلیتی، همدردی خود را با مردم محروم و بویژه طبقه کارگر آن کشور ابراز داشت.

در قسمتی از پیام انجمن آمده است: این جدیدترین ترور

تغییر آدرس انجمن در آلمان

اداره پست آلمان در نظر دارد از تاریخ ۹۳/۷/۱ تغییراتی در کد شهرها و مناطق این کشور بوجود آورد. به همین دلیل آدرس انجمن در آلمان نیز به شکل زیر تغییر می کند:
از اینرو تقاضا داریم از تاریخ مذکور جهت مکاتبه به تغییر آدرس انجمن در آلمان توجه نمایید!

Verein der Iranischen
Arbeiter emigranten
U. Flüchtlinge
Am Judenkirchhof 11C
30167 Hannover
Germany

نشانی های واحدهای توزیع نشریه کارگر تبعیدی

از تمامی علاقمندان نشریه کارگر تبعیدی در کشورهای سوئد، هلند و کانادا تقاضا داریم از این به بعد جهت دریافت نشریه با آدرس واحدهای توزیع نشریه در این کشورها تماس حاصل نمایند.

واحد توزیع نشریه در کانادا:

P.O.Box 622- STNB
OTTAWA - ONT
KIP - 5P7
CANADA

واحد توزیع نشریه در سوئد:

Mohamad
Fasan Vägen 13C
734 34 Hallstahammar
SWEDEN

واحد توزیع نشریه در هلند:

Weena 745
3013 AL Rotter dam
HOLLAND

تلفن ۴۳۳۱۳۹۰ - ۰۱۰ - از ساعت ۱۴ به بعد با این شماره تماس گرفته شود.

بریسدهایی از روزنامههای ایران

بر اثر فقر و تنگدستی:

پدری فرزند یکساله

خود را

در خیابان رها کرد

بر اساس گزارش رسیده در روز دوشنبه ۷۱/۱۱/۲۶، مامورین منطقه انتظامی شیرانات ضمن گشت زنی در منطقه لوین، در نزدیکی دانشگاه شهید بهشتی مشاهده نمودند که یک پسر بچه یکساله با موهای طلایی و پیراهن زرد و شلوار آبی بدون سرپرست در وسط خیابان رها شده است. در بازرسی از جیب طفل سرراهی یک تکه یادداشت بدست آمد که حاکیست چون دارای هفت فرزند هستم و مادر فرزندم را از دست داده‌ام نمی‌توانم از همه آنها نگهداری کنم و این فرزندم بنام میماد را سر راه می‌گذارم. مامورین از طفل معصوم و بیگناه به نحو مطلوب نگهداری و در این خصوص پرونده‌ای تشکیل و به مقامات قضایی ارسال گردید.

همشهری پنجشنبه ۲۰ اسفند ۷۱

۹۰ درصد کارگران کارخانه زمزم گرگان با افت شنوایی روبرو هستند

سرورس شهرستانها: بر اساس آزمایشهای انجام شده شنوایی سنجی (ادیومتر) ، بسروری بیش از ۱۰۰ تن از کارگران کارخانه زمزم گرگان، ۹۰ درصد آنان با افت شنوایی از ۲۰ تا ۱۰۰ درصد مواجه هستند. مهندس محمدعلی قاجار عضو هیات علمی دانشکده بهداشت ساری ضمن اعلام خبر نسوق، علت اصلی کرشدن کارگران را آلودگی شدید و سیستم غیر استاندارد سروصدای فضای کارخانه عنوان کرده است. وی همچنین کوتاه بودن سقف، کاشیکاری دیواره و وجود شیشه و آلومینیوم را در کارخانه از عوامل مهم انعکاس صدا دانست و افزود: آلودگی محیط کارخانه به سروصدا به حدی است (۹۷ دسی بل) که بر اساس استاندارد بین المللی برای چنین کارخانه‌هایی فقط ۴ ساعت کار پیش بینی شده است.

همشهری سه شنبه ۱۱ اسفند ۷۱

مشکل کارکنان مترو

○ سازمان مترو بیش از ۲۵۰۰ پرسنل قراردادی و ۵ هزار کارگر روزمزد دارد. این سازمان در مورد پرداخت‌های حقوقی همیشه دچار سردرگمی است هرگاه از مزایا سخن گفته شود، می‌گویند تابع قانون کار هستیم و اگر مطالبه افزایش حقوقی مطرح شود، می‌گویند آئین‌نامه اختصاصی دارد. خلاصه قضیه شده مثال شتر مرغ! برای بیمه به سازمان بیمه‌های اجتماعی مراجعه می‌کنیم به رغم اینکه دارای ۵ سال سابقه خدمت هستیم و بابت این ۵ سال سهم بیمه پرداخت کرده‌ایم اما مترو بیش از دو سال حق بیمه نپرداخته است، در دی ماه هم هنگام پرداخت حقوق از حق اولاد، حق سختی کار، حق شیفت و شب کاری خبری نبود. چه کسی پاسخگوی نقضاتی کارکنان متروست، خدا می‌داند؟ کارکنان قراردادی مترو

خانواده تعدادی از این افراد در مراجعات مکرر به دفتر روزنامه همشهری خواستار رسیدگی فوری استنادار خوزستان نسبت به این مساله شدند.

کارکنان شهرداری بهبهان ۴ ماه است حقوق نگرفته‌اند

بهبهان - خبرنگار همشهری: شهرداری بهبهان به علت عدم تسرایی مالی، حقوق ۴ ماه کارگران و ۳ ماه کارمندان خود را نپرداخته است.

همشهری شماره ۵۸



علاقمندان می توانند برای دریافت این بولتن با آدرس

انجمن در آلمان تماس بگیرند.

بولتن اطلاعاتی کارگری به زبان آلمانی منتشر شد
 بولتن اطلاعاتی کارگری به زبان آلمانی در ۶۸ صفحه توسط انجمن در آلمان تماس بگیرند.
 انجمن منتشر شد. این بولتن در ۶ فصل و ۲۵ عنوان تنظیم شده است.

فهرست برخی از مطالب منتشره در این بولتن به قرار زیرند:
 - مقدمه ای در معرفی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

Arbeiterinfo

Informationen und Dokumente
 über die iranische Arbeiterschaft

herausgegeben 1993 vom Verein der iranischen Arbeitersolidaritäten und Flüchtlinge e.V.
 Am Judenkirchhof 11 C, W-1000 Hannover 1
 Kopieren und weitere Verbreitung erwünscht. Schutzgebühr: DM 2,00

Inhaltsverzeichnis

0 Vorwort
 1 Diskussion zur Unterstützung von Arbeiter/innen
 1.1 Hinzuschlagen iranischer Arbeiter/innen
 1.1.1 Bilder und Lebensstil iranischer Arbeiter/innen
 1.2 Tabelle: militäre Unterstützung von Arbeiterprotesten
 2 Regierungen Organisationen in Betrieb
 2.1 Was sind die islamischen Arbeiterkräfte?
 2.1.1 Auszug aus dem Gesetz über die islam. Arbeitskräfte
 2.1.2 Auszug mit dem islamischen Arbeitsgesetz
 2.2 Die islamischen Verträge als "Verordnungen der islamischen Ordnung und des Führers"
 2.3 Organisationsstruktur der islamischen Arbeiterkräfte
 2.4 Das iranische Regime und die IAO (Instrumenten des Labour Organisations / Intern. Arbeitsorganisation der UNO)

2.4.1 Wesentlich des iranischen "Arbeitskammervertreter" in der IAO sieht die iranische Arbeiterschaft/innen vertreten
 1 Der Versuch des iranischen Regimes eine islamische Weltgewerkschaft zu schaffen
 3.1 Internationaler Kampf gegen die islamischen Räte ist notwendig
 3.2 Dokument: Das iranische Regime und die religiöse Spaltung der Arbeiterschaft
 4 Resolutionen und Briefe: Internationale Unterstützung durch Gewerkschaften
 5 Arbeitsbedingungen in Iran
 5.1 Arbeitsbedingungen in Iran in Bildern
 6 Verzeichnisse
 6.1 IG-Mitglied Forum: Liberalisierung als taktisches Manöver - Die Presse im Vorrang
 6.2 Dokument: deutsch-iranische Wirtschaftsbeziehungen
 6.3 Tabelle: Daten über Arbeiterproteste in Iran (1982 - Januar 1990, unvollständig)



Wußten Sie, daß es im Iran

- keine Vereinigungsfreiheit und kein Streikrecht gibt?
- zehntausende Arbeiter/innen verhaftet und hingerichtet worden sind?
- hunderte Streiks und Protestkundgebungen militärisch unterdrückt wurden?
- allein zwischen März 1991 und März 1992 über 2.000 Streiks stattfanden?
- die absolute Mehrheit der Arbeiter/innen gegen das Regime ist?

- اسنادی از سرکوب کارگران در ایران
- تصاویری از برخی از کارگران اعدامی به همراه اسامی بیش از ۵۵۰ کارگر اعدامی.
- مقدمه ای در باره اعتصابات و اعتراضات کارگری و شیوه سرکوب آنها توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی.
- لیست ۵۳ حرکت اعتراضی کارگری از سال ۵۷ تا ۷۲ در کارخانجات که مستقیماً توسط بسیج نیروهای نظامی و اشغال کارخانجات سرکوب شده اند.
- مطالبی در باره تشکلهای وابسته به رژیم (شوراهای اسلامی و انجمن های اسلامی) در کارخانه ها
- چارت تشکیلاتی خانه کارگر جمهوری اسلامی و رابطه آن با مراکز دولتی.
- در باره رژیم اسلامی ایران و سازمان بین المللی کار
- در باره اهداف خانه کارگر جمهوری اسلامی جهت تشکیل اتحادیه های بین المللی مسلمان و ضرورت یک مبارزه بین المللی علیه شوراهای اسلامی.
- اسناد و نامه هایی از پشتیبانی ها و حمایت های اتحادیه های کشورهای مختلف از کارگران ایران
- شرایط کارگران ایران در تصویر و ...

SOLIDARITEIT MET DE ARBEIDERS IN IRAN

انتشار بولتن اطلاعاتی انجمن به مناسبت اول ماه مه در هلند

به ابتکار رفقای واحد هلند (انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی) بولتنی به زبان هلندی در ۱۰ صفحه به چاپ رسیده است.

در این بولتن ضمن معرفی انجمن ، مطالبی در باره شرایط کارگران ایران ، کار کودکان ، ترجمه قسمتی از قانون کار، شرایط کارگران مهاجر افغانی در ایران و اینکه نمایندگان کارگر اعزامی جمهوری اسلامی به سازمان بین المللی کار نماینده کارگران ایران نیستند ، منعکس شده است .

علاقمندان می توانند برای دریافت این بولتن با آدرس واحد توزیع نشریه در هلند تماس بگیرند.



De Iraanse Vereniging van Arbeiders in Ballingschap - Nederland

I.V.A.B.N
 Postbus 14796
 1001 LG AMSTERDAM

INFORMATIE-BULLETIN

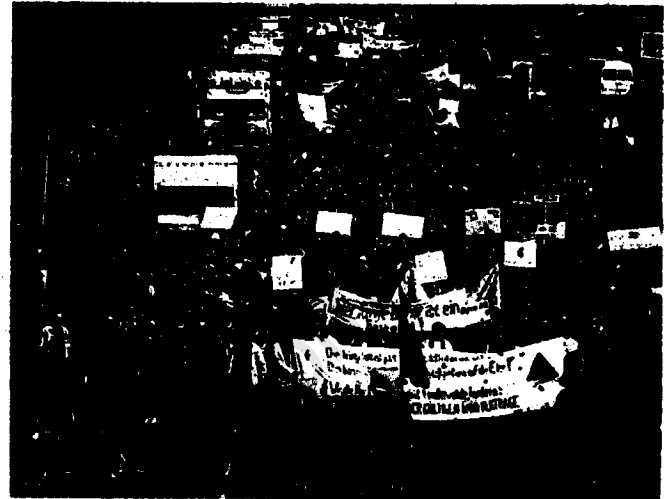
1 MEI- VIERING 1993

WAT BETEKENT DE 1 MEI-VIERING VOOR DE ARBEIDERS IN IRAN?

VERWIJDER IRAANSE VERTEGENWOORDIGER UIT
 INTERNATIONALE ARBERIDERSORGANISATIE (IAO)

پیام انجمن به کارگران اعتصابی در ایالات شرقی آلمان

در راستای همبستگی با اعتصابات فلزکاران در ایالات شرقی آلمان، اجتماعی در هانوفر - آلمان برگزار شد. بنا به اظهارات خبرنگاران اتحادیه در این اجتماع حدود ۱۵ هزار تن شرکت کردند. از سوی انجمن نیز پیامی برای کارگران اعتصابی ارسال شد که متن آن به شرح زیر می باشد:



Mai 1993 „Heraus zum 12. Mai!“ Über eine halbe Million Metallerrinnen und Metaller in ganz Deutschland demonstrieren für die Tarifautonomie.

همکاران عزیز!

در سال ۹۳ تعرض کارفرمایان علیه کارگران ابعاد تازه ای یافته است. فسخ خودسرانه قرارداد تعرفه فلزکاران شرق آلمان، پایمال نمودن سیستم قراردادهای تعرفه (یعنی یکی از مسلم ترین حقوق و دستاوردهای کارگران) را هدف قرار داده است. اعتصاب شما پاسخ بر حق و مناسبی به این تعرض می باشد. ما (کارگران ایرانی مقیم آلمان) در تمامی عرصه های ممکن همبستگی خود را با شما اعلام می کنیم و از تمامی خواسته های شما و همچنین حفظ قرارداد تعرفه ۶ مارس ۱۹۹۱ پشتیبانی می کنیم.

با آرزوی استمرار همبستگی های کارگری
انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی
۱۲ / ۵ / ۱۹۹۳

همبستگی با کارگران اتوبوسرانی لندن

درودهای گرم ما، انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایران را، بخاطر تصمیم قاطعانه خود جهت اعتصاب در دفاع دستمزدها، ساعات کار و حقوق بازنشستگی پذیرید. در جهت آماده کردن شرکت اتوبوسرانی لندن برای خصوص شدن، مدیران این شرکت از طریق معامله ای که انجام داده اند تصمیم دارند ۲۵ درصد از کارگران شرکت را اخراج و یا بازخراب کنند.

نوک تیز این حمله مدیران متوجه پرداخت دستمزد و شرایط محیط کار است. آنها قصد دارند دستمزدهای کارگران را پائین بیاورند، ساعات کار روزانه را افزایش دهند، حقوق بازنشستگی کم کنند و از هزینه های دیگر بکاهند. تاکتیک آنها طبق معرکه تفرقه انداختن و حکومت کردن است. این تاکتیک را از طریق پرداخت نقدینه ناچیزی در ازای نرخ دستمزد ساعتی کم تر ساعات کار بیشتر، پیش می برند. تنها راه موفقیت در راستای دفاع از حقوق خود ادامه اعتصاب است.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

پاسخ اولیوی جکسون، مسئول منطقه ای T&GWU به پیروان انجمن کارگران مهاجر و تبیعی در حمایت از اعتصاب کارگران اتوبوسرانی لندن.

دوستان عزیز

پیرو ارسال پیام همبستگی شما با کارگران اتوبوسرانی لندن اجازه می خواهم از طرف کارگران این شرکت از شما تشکر کنم. پیام شما به تک تک شعبه های منطقه ای دیگر فرستاده خواهد شد. مطمئن هستم در آینده تماسهای بیشتری با انجمن شما خواهیم داشت.

ارادتمند شما

اولیوی جکسون

مسئول منطقه ای بخش مسافری

۱۱ مارس ۱۹۹۳

نشانی های جدید نسبی

IRANIAN REFUGEE WORKERS
ASSOCIATION
C/O 12/14 Thornton Street
London SW9 0BL
Tel: 071-7335135/5670
England

Verein der iranischen
Arbeiter emigrantent
U. Flüchtlinge
Am Judenkirchhof 11 C
30167 Hannover
Germany